



ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم ، سال دوم ، شماره ۳۹۲
پنجشنبه ۲۰ آذر ۱۳۵۹ ، مطابق با
۳ صفر ۱۴۰۱ ، بها : ۱۵ ریال

انقلاب ایران در استانه یک تعمیق کیفی است

بدون تحکیم خصلت‌های ضد امپریالیستی (استقلال طلبانه) و ضد استثماری (خلقی) انقلاب، حرکت به پیش محال است

امام خمینی، هیئتی را مأمور بررسی شایعه شکنجه در زندانها کرد

امام خمینی رهبر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران پیش از ظهر سه‌شنبه، آیت‌الله موسوی اردبیلی، دادستان کل کشور را بحضور پذیرفتند و وی را مأمور تشکیل هیئت بررسی رسیدگی به شایعه شکنجه در زندانهای ایران کردند. امام خمینی، در این ملاقات تاکید کردند که: «افراد هیئت بی‌چوجه نباید به حزب و گروه و دسته‌ای خاص وابسته باشند و وقایع را بدون هیچ اغماصی باید بیان دارند.»

خواسته‌های مردم مهاباد باید مورد توجه فوری و جدی قرار گیرد

خبرنگار نامه «مردم» از مهاباد خبر میدهد: روز جمعه ۷ آذرماه ۵۹ در مسجد جامع شهر مهاباد، گرد مسأله عظیمی با حضور اکثر حالی شهر بمنظور تأیید قطعنامه شورای مساجد شهر برگزار گردید. مسجد جامع مهاباد، که زرگرین مسجد و یکی از بناهای تاریخی این شهر است، برای روز مملو از مردم بود. حیاط مسجد، پامپا و کوجهای طرف آن انباشته از انبوه مردمی بود که برای تجدید پیمان در پشتیبانی از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران به رهبری امام خمینی، گرد آمده بودند. در این گردهمایی، پیش از آنکه قطعنامه نایب شود، تنی چند از اعضای شورای اجرائی، منتخب شورای مساجد مهاباد و در خانته آقای کلاتری یکی از مسئولان سپاه پاسداران مهاباد، سخنانی ایراد کردند. مردم با ندای «الله اکبر»، خصمی، رهبر، هرگ بر صدام یزد کافر»، سخنان آثار مأمور تأیید گزار می‌دادند.

قطعنامه گردهمایی مردم مهاباد

بسم الله الرحمن الرحیم
واعظونوا بحبل الله جمیعا ولا تفرقوا
بمنظور اینکه زندگی مردم بسلامت و حومه پیش از این دستخوش برخوردهای مسلحانه و تشکیلاتی و حربه نانی از آن واقع نگردد، اکنون که به دعوت شورای مساجد امروز (روزجمعه ۷ آذرماه ۵۹) ما مردم مهاباد در مسجد جامع جمع شده‌ایم، قطعنامه زیر را به تصویب میرسانیم:
۱- در شرایط کنونی، که مبین عزیمت ایران مورد تهاجم و حشویه و فرمایشی حکومت فاشیستی عراق قرار گرفته است، وضع داخلی کشور باید فارغ از هرگونه اقدامات مسلحانه خصمانه داخلی باشد. لذا ما مردم مسلمان مهاباد ضمن تجدید پیمان خود با رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی، امام خمینی، هرگونه برخوردهای مسلحانه را قاطعانه محکوم میکنیم.
۲- ما مردم مسلمان مهاباد اعتقاد راسخ داریم که در حکومت اسلامی، مردم کردستان از اسارت اقتصادی، سیاسی، اداری و فرهنگی رهائی خواهند یافت و حق اداره داخلی را بدست خواهند آورد.
۳- با توجه به کمبود ذخایر مواد غذایی و سوختی و تعطیل کلیه امور تولیدی و رفاهی در منطقه‌ای که ناشی از برخوردهای مسلحانه است، از عموم افراد مسلح موجود در منطقه مهاباد قاطعانه تقاضا داریم، بجای برخورد مسلحانه، همه باهم به‌امور تولیدی و ساختن مسجد و مدارس و مسکن برای اهالی منطقه بپردازیم.

بچه در صفحه ۸

باند قاسملو یک عضو کمیته مرکزی ویک عضو دیگر حزب دمکرات کردستان ایران (پیروان کنگره چهارم) را به اعدام محکوم کرد

حزب توده ایران ضمن اعتراض شدید به این جنایت هولناک باند قاسملو، از خلق کرد، مقامات کشور و همه نیروهای انقلابی نیز میخواند که با اعتراض مانع تحقق این جنایت هولناک باند قاسملو شوند.

بر اساس اخبار موثقی که از کردستان رسیده، فاروق کیخسروی عضو کمیته مرکزی و یک عضو دیگر حزب دمکرات کردستان ایران (پیروان کنگره چهارم) بعد از ۵ ماه که در اسارت باند قاسملو پس می‌بودند، در بیادگاه که این داروستانه تشکیل داده‌اند، به اعدام محکوم شده‌اند.

نزدیک به ۵ ماه پیش، وقتی گروهی از اعضای کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران، به پیروی از مصوبات کنگره چهارم این حزب، انحراف باند قاسملو را از مصوبات این کنگره اعلام داشتند و با افشا کردن

همکاری قاسملو با رژیم جنایتکار صدام، خلق کرد را به پشتیبانی و دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران خواندند، تحریکات و توطئه‌های باند قاسملو آغاز شد. داروستانه قاسملو که مدعی کسب «آزادی» برای ایران هستند، ابتدا به ضرب و جرح پیروان کنگره چهارم پرداختند و سپس دو تن از اعضای کمیته مرکزی پیرو کنگره چهارم را دستگیر کردند. فاروق کیخسروی عضو کمیته مرکزی و یک عضو دیگر حزب دمکرات کردستان ایران (پیروان کنگره چهارم) مدت ۵ ماه است که در اسارت باند قاسملو زیر شکنجه قرار دارند، چهارم) شوند.

نیروهای انقلاب متجاوزین را در جبهه‌های گیلانغرب و تنگ حاجیان به عقب راندند

به رزمندگان نیروی دریائی طی عملیاتی چشمگیر، ضربات مهلکی بر متجاوزین وارد آوردند.

نیروهای متجاوز صدامی در تمام جبهه‌ها زیر ضربات سنگین مدافعان انقلاب قرار گرفته‌اند. بنا به گزارش خبرنگار اعزامی دفتر مرکزی حزب به جبهه جنگ در غرب کشور: روز سه‌شنبه نبرد در جبهه‌های گیلانغرب و تنگ حاجیان با تویخانه و سلاحهای سنگین همچنان ادامه داشت و نیروهای انقلاب با هماهنگی کامل و حملات بی‌امان دشمن رابه نحو جبهه‌های عقب رانده و با آتش تویخانه و دیگر سلاحهای سنگین، تعداد زیادی از کامیونهای سنگین حامل مهمات و نفربر را منهدم و تعداد دیگری را از کار انداختند و ۲ تانک دشمن را نابود کردند. بنا به گزارش دیگری از خبرنگار دفتر مرکزی حزب از کرمانشاه: در یک شبیخون و عملیات شجاعانه توسط عده‌ای از بسیج عشایری ماهی‌دشت، با همکاری افراد نیزوی مخصوص، چندین مزدور در خاک عراق منهدم و سرتیپان آن به هلاکت رسیدند. بنا به گزارش خبرنگار تنگ حاجیان: روز گذشته (دوشنبه) نبرد در جبهه‌های سرپل زهاب، قصر شیرین، کنی‌سخت، شورشیرین و سومار بصورت پراکنده ادامه داشته است. ستاد خبری سپاه پاسداران غرب کشور به خبرنگاری پارس گزارش داد:

بمناسبت سالگرد قیام مردم آذربایجان در ۲۱ آذر ۱۳۲۴

از تجارب گرانبهای «نهضت ۲۱ آذر» بیاموزیم

توطئه جدید ضد انقلاب علیه حزب توده ایران

ضد انقلاب بنام حزب توده ایران اعلامیه پخش میکند

بر اساس اخبار رسیده، ضد انقلاب دست به توطئه جدیدی علیه حزب توده ایران زده است. عناصر ضد انقلابی در نقاط مختلف شهر اعلامیه‌هایی علیه دولت ونهادها و ارگانهای انقلابی پخش میکنند و میگویند، پاسداران پخش کنندگان این اعلامیه‌ها را دستگیر میکنند، آنها میگویند: «حزب توده ایران این اعلامیه‌ها را داده پخش کنیم».

تاکنون کسانی که درین نازی‌آباد و خزانه فرج‌آباد اعلامیه ضد دولتی پخش میکردند و توسط پاسداران دستگیر شده‌اند، به شیوه بالا رفتار کرده‌اند.

ما ضمن افشای این توطئه ضد انقلاب، برای چندمین بار متذکر میشویم که اعلامیه‌ها، اسناد و نظریات حزب توده ایران در درباره تمام مسائل کشور و تمام نهادها و ارگانهای انقلابی در نامه «مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران انتشار می‌یابد، و لذا هرگونه نظریه‌ای که برخلاف مشی اصولی و انقلابی حزب توده ایران- که دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و پشتیبانی از خط ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی است- پخش شود و هر اعلامیه وسدی از جانب حزب ما، که در نامه «مردم» منتشر نشده باشد، هیچگونه ارتباطی با حزب توده ایران ندارد و نمیتواند داشته باشد.

روشن است که هدف ضد انقلاب از توسل به چنین شیوه‌هایی، برودن مسازی علیه حزب توده ایران و نقاب افکنی بین نیروهای انقلابی است. لذا ما به مقامات مسئول و همه نیروهای انقلابی در این زمینه هشدار میدهم.

دیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران - ۱۳۵۹۹۱۹

آیت‌الله دکتر بهشتی: ملی کردن تجارت خارجی دنبال خواهد شد

لئونید برژنف در جریان مذاکرات با ایندیرا گاندی گفت: اتحاد شوروی علیه دخالت دیگر کشورها در این مناقشات (جنگ عراق علیه ایران) اقدام میکند

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

از تجارب گرانبهای «نهضت ۲۱ آذر» پیاموزیم

تاریخ درخشان و افتخاراتگیز مبارزات رهاییبخش ملی ضد امپریالیستی مردم ایران روزگاری آغاز شد که رژیم سرمایه‌داری در مقیاس جهانی به آخرین مرحله گسترش خود، یعنی سرمایه‌داری انحصاری قدم میگذاشت. ایران یکی از هدفهای مهم سیاست استعماری امپریالیست جهانخواه بود. اما هر قدر سلطه خانمان‌پرانداز امپریالیسم در کشور ما توسعه مییافت، مقاومت و مبارزه مردم زحمتکش، آزادیخواه و مبین‌دوست نیز سرسخت‌تر و ریشه‌دارتر می‌شد. از همان اوان، محافل حاکمه رژیم طاغوتی شاهنشاهی بر حسب سوسخت اجتماعی خود، روبروی خلق ایستادند و اجرای سیاست استعماری امپریالیسم را در کشور بعهده گرفتند. لذا جنبش ضدامپریالیستی مردم ایران نیز در همین حال مبارزه‌ای علیه رژیم منفور خودکامه سلطنتی بود. بعبارت دیگر، مبارزه در راه استقلال و حق حاکمیت ملی، در همین حال مبارزه در راه آزادی و حقوق دمکراتیک، رفاه و ترقی بود. این مبارزه تاریخی مردم و زندگی، از «قیام تنباکو» (۱۲۷۰)، انقلاب مشروطیت (۱۲۸۶ - ۱۲۸۴) انقلابات گیلان، آذربایجان و خراسان (۱۳۰۰ - ۱۲۹۹) گرفته، تا نهضت ۲۱ آذر ۱۳۲۴ در آذربایجان، فراز و نشیبهای بزرگ و کوچک داشته است. اما همه این اوج‌های چشمگیر، حلقه‌های مهم و درخشان از زنجیر واحد یوسته تاریخ پرافتخار جنبش‌رهاییبخش ضدامپریالیستی مردم زحمتکش و رزمنده ایران‌اند.

حکایتی در گفتارها و نوشتارهایشان به‌نحوی از آنجا، به این یا آن حلقه از این روند متعالی تاریخی برخورد میکنند، شایسته نیست که تمبتهای گندیده و افتراهای متعفن دست‌پخت اینتلیجنسند سروسس، سیاه، موماد و ساواک را نسبت به این نهضت‌های انقلابی مردمی منبع تغذیه خود و دیگران قرار دهند و خواه ناخواه بدام قلم‌ورختگانی چند بیافتند که با تحریف تاریخ گذشته میخوانند آنرا در خدمت پلیدترین نیت امپریالیسم و ضدانقلاب کنونی قرار دهند، با جعل و تزویر، قلب حوادث، لکه‌دار کردن زهربران و کوشندگان بنا بر این نهضت‌ها، برجسته کردن نارسالیها و اشتباهات، سراسر جنبش عظیم و خلقی را لجن‌مال کنند و همچون گذشته آتش تفرقه و نفاق را دامن زنند.

قیام ۲۱ آذر ۱۳۲۴
 قیام ۲۱ آذر ۱۳۲۴ اوجی بود چشمگیر، که از متن تاریخ پرافتخار و سرزمین قهرمان‌پرور آذربایجان، زادگاه ستارخان‌ها و باقرخان‌ها، شیخ محمدخیا، انبیا، حیدر عوغلانی، دکتر آرا، بار خادست و پرچم خونین و افراشته قدام جنبش رهاییبخش ضدامپریالیستی و دمکراتیک خلق را بدست‌های مقتدر نسلی شایسته بدم سیرد. دومین جنگ جهانی را امپریالیسم جهانخواه، با همه امکانات وسیع سیاسی، اقتصادی و نظامی، ایدئولوژیک و تبلیغاتی خود علیه اتحاد شوروی، به قصد براندازی سوسیالیسم پیروز تدارک دیده بود. اما تمام آن تدارکات ۲۰ ساله نتیجه معکوس پدید آورد. قانونمندیهای عینی رشد تاریخی جامعه، بر نیت پلید امپریالیسم غالب آمد. تضادهای درونی امپریالیسم بروز کرد. درنده‌لجام گسیخته فاشیسم ساین محصور درنده امپریالیسم، جنگ را با حمله به کشورهای «دمکراتیک» سرمایه‌داری و بجانان وسعت و شدت آغاز کرد که برای این کشورها (که حتی پس از شروع جنگ هم با پیشنهاد دولت شوروی برای مبارزه کردن فاشیسم موافقت نمیکردند) چاره‌ای جز شرکت در ائتلاف ضدهیتلری باقی نماند.

حمله خائنه فاشیسم آلمان به کشور شوروی ماهیت جنگ را تغییر داد. مبارزه ضدفاشیستی خلق‌ها و به‌راه آن جنبش رهاییبخش ملی و دمکراتیک در همه کشورها بالا گرفت. با سقوط دیکتاتوری پوشانی رفاشانه و تزلزل رژیم فاسد طاغوتی (شهریور ۱۳۲۰) شرایط مساعد برای فعالیت نیروهای پیشرو و گسترش جنبش ضدامپریالیستی و دمکراتیک خلق فراهم شد.

دولت‌های امپریالیستی در ائتلاف ضدهیتلری، در سالهای اول جنگ قادر به شدت‌عمل علیه جنبش‌های رهاییبخش ملی نبودند. اما همینکه زیر ضربات پدربدی و کمرشکن ارتش شوروی، دیگر سرنواخت جنبش روشن میشد، این دول امپریالیستی هجوم خود را علیه جنبشهای ضدامپریالیستی و دمکراتیک خلق‌ها، از اندونزی و فیلیپین و هندوچین گرفته تا ایران و یونان و شمال آفریقا و آمریکای جنوبی گسترش دادند. گماشتگان و سرسپردگان امپریالیسم در ایران سر بلند کردند. تلاش نیروهای ارتجاعی برای احیای دیکتاتوری و تقویت رژیم طاغوتی شاهنشاهی وسعت گرفت. ساعدها، صدرا لاشراف‌ها، حکیم‌الولیک‌ها و... را بر مسند نخست‌وزیری می‌نشاندند. مجلس شورای ملی را با سیدضیاءالدین‌ها، امامی‌ها، نوبخت‌ها و... پر می‌کردند. بزور سر نیزه حکومت نظامی مطبوعات مترقی را توقیف میکردند، از فعالیت جمعیت‌ها، سازمانها و احزاب مترقی و دمکراتیک جلوگیری میکردند، به تصفیه نیروهای مسلح از افسران و درجه‌داران شرافتمند و آزادیخواه، مخالف استعمار و استبداد دست می‌زدند. قیام افسران خراسان (مرداد ۱۳۲۴) عکس‌العملی در مقابله با این تصفیه‌ها بود. و همه این تهاجمات امپریالیسم و ارتجاع با توطئه‌های نفاق‌انگیزی و تفرقه‌اندازی بین نیروهای مترقی و دمکراتیک جامعه توأم و تکمیل

میشد. حمله و هجوم، بویژه علیه جنبش کارگری ایران، از اواسط سال ۱۳۲۴ توسعه یافت. حملات بی در پی علیه حزب توده ایران و شورای متحد مرکزی دامنه گسترده‌تری داشت. کلوب‌ها، کتابخانه‌ها، باشکها و دیگر اماکن حزب توده ایران و شورایی متحد مرکزی در تهران، اسفهان، مازندران، آبادان و دیگر شهرها مورد تعرض و چاول اوباشان تحریک شده قرار میگرفت. یک کلام، امپریالیستهای آمریکا و انگلیس با همه نیرو بمیدان آمده بودند، تا بوسیلهٔ عمال خود نیروهای مترقی و جنبش مردمی را درهم‌شکنند و رژیم خودکامه طاغوتی را، که ابزار مهم سلطه آنها بر ششون حیاتی کشور بود، استوار سازند. استقلال کشور، حق حاکمیت ملی و آزادیها و حقوق دمکراتیک مردم در معرض تهدید جدی قرار گرفته بود. نیروهای پیشرو جامعه نمیتوانستند بی‌اعتنا به این خط‌بمیانند. مردم آذربایجان در صفوف اول این مبارزه مقدس بپیاختند.

بیانیه ۱۴ شهریور ۱۳۲۴
 بیانیه ۱۴ شهریور ۱۳۲۴ تصمیم راسخ نیروهای پیشروی خلق را برای تشکیل سازمان سیاسی خود اعلام کرد. در مدتی کمتر از یکماه، در همه شهرها، قصبه‌ها و دهات آذربایجان انتخابات آزادی، که تا آنروز در تاریخ ایران سابقه نداشت، برگزار شد. ۱۰ مهرماه ۱۳۲۴ نخستین کنگره فرقه دمکرات آذربایجان در تالار فردوسی گشایش یافت. کنگره پس از ۳ روز مذاکرات مفصل و سازنده، امرنامه و اساسنامه فرقه دمکرات آذربایجان را تصویب کرد. کمیته مرکزی مردم از ۴۱ نفر انتخاب و سید جعفری‌شیرازی به‌مدت برگزیده شد.

در سخنرانی که پیش‌ه‌وری، ۳ روز بعد از انتشار بیانیه، در تالار تاتی دول آذربایجان در تبریز ایراد کرد، ضمن ترسیم نقشه ایران با انگشتانش در فضا، گفت:

«خواست‌ها و گفته‌های ما همه در داخل این نقشه است و هر چه میخوانیم در داخل ایران میخوانیم.»

اما آن عوامل امپریالیسم و مدافعین سرمایه‌داران وابسته و بزرگ‌مالکان استعمارگر و مستکبر، که خود استقلال کشور، حق حاکمیت ملی و آزادیها و حقوق دمکراتیک را در طبق اخلاص به استعمارگران غارتگر فروخته بودند و از دوران انقلاب مشروطیت ایران، بدین‌دستان غیور و آزادیخواه آذربایجان بسرگردگی ستارخان را به‌دخاینت، «دولت‌فروشی» و «تجزیه‌طلبی» متهم میکردند، باز با همان حربهای کهنه پیمان و افترا بمیان آمدند، تا بین‌نیروهای مبارز تفرقه‌اندازند و نیت شوم خود را پیاده کنند. در صورتیکه مردم آذربایجان چیزی جز استقلال و آزادی ایران، اجرای دقیق قانون اساسی، از جمله تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی، رعایت آزادیها و حقوق دمکراتیک مردم زحمتکش کشور چیز دیگری نمی‌خواستند. آذربایجانی میخواست از ابتدائی‌ترین حق مسلم یک انسان، که تکلم و تحصیل زبان مادری است، بهره‌مند باشد.

آذربایجانی میخواست از ثروتهای فراوان و منابع طبیعی بیکران سرزمین خود، که روی آن رنج میرسد و زحمت میکشید، بهره‌مند دیگر مردم زحمتکش ایران و برابر با آنان استفاده برد. آذربایجانی میخواست مورد تحقیر و توهین مامورین رژیم طاغوتی شاهنشاهی گرفته تا استاندار واقع نشود. ما به خوانندگان خود مطالعه مقاله‌ای را که تحت عنوان «ملوهای از رفتار ژاندارها با مردم آذربایجان» در روزنامه دانه مورخ ۲۱ مرداد ۱۳۲۰، نوشته شده، جلب میکنیم. داد از جمله می‌نویسد: «در هر قریه‌ای نزدیک مراغه یک نفر ژاندارم حکومت نظامی اعلام کرده، شب از دوازده غروب را می‌ریاید و با او عمل شنیع انجام داده سپس ۱۵ نفر ژاندارم را مامور میکند با آن زن طرف شونلدا!»

همچنین توسعه می‌کیم که کتابچهٔ جداگانه‌ای را که بقلم عهدی نوری، یعنی کسیکه بی‌سوجه نمیتوان او را به آزادیخواهی، هواداری از فرقه دمکرات آذربایجان و نهضت و مردم آن‌سامان مظلون دانست، نوشته شده مطالعه کنند، تا لایق با یک پیرونده موجود از هزاران پیرونده از نزدیک آشنا شوند.

اما نخست‌وزیر تبهکار رژیم فاسد پهلوی در جلسه رسمی مجلس، در جواب تلگراف شکایت و خواست مردم آذربایجان، شاه‌هایش را با لاف‌انداخته میگفت: «ما از این تلگرافها زیاده‌دیده‌ایم». مردم آذربایجان تصمیم به دعوت کنگره ملی خود گرفتند. طبق اسناد موجود، پیش از ۲۰ میلیون نفر رای دادند. انتخابات آزاد در عرض ۵ روز در همه نقاط آذربایجان صورت گرفت. کنگره ملی، که در آن ۷۰۰ نفر برگزیدگان مردم از تمام نقاط آذربایجان شرکت کردند در عرض یک‌هفته تشکیل داده شد.

۲۱ آذرماه، نمایندگان نظامی رژیم طاغوت در تبریز و دیگر نقاط، در مقابل عزم راسخ مردم چاره‌ای جز تسلیم ندیدند. قیام قهرمانانه مردم آذربایجان در راه استقلال، آزادی، حق حاکمیت ملی و نمایندگی آزادی ایران پیروز شد. حکومت ملی آذربایجان در مدت بسیار کوتاه، اصلاحات زیادی در همه رشته‌های زندگی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی آذربایجان انجام داد، که مورد اعتراف بی‌پایه، چه چیز دیگری می‌توانست یک‌جنبش‌فاجعه‌ای بی‌بیاورد؟ ما خرسندیم که واقیتهای زندگی، برادران را بدخل یک مسجد برده و در کنار هم‌نشانده و به‌چاره‌جویی «مسئله‌ای که ضدانقلاب در کردستان بر سرای حکومت انقلاب پی‌جود آورد، واداشته است. آری، زندگی بزرگترین آموزگار است. بنظر ما، راه‌گشای خروج از بن‌بست کردستان همانست که در کردستانی و قلعنامه مذکور در فوق به‌آن اشاره شده است: اولاً باید دانست که حفظ انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و تحکیم و اتحاد همه نیروهای انقلابی برهبری امام خمینی، عمده‌ترین وظیفه همه نیروهای واقعا انقلابی، همه جنبشهای امیل

دوست و دشمن بود. در رشته کشاورزی و مناسبات ارباب - رعیتی اصلاحات ریشه‌داری آغاز شد. اراضی خالصه (متملق به‌دولت) و املاک فئودالها و بزرگ‌مالکان وابسته به امپریالیسم، که به‌نهضت‌ومردم خیانت کرده بودند، بلاعوض بین روستائیان (حدود یک میلیون خانوار) تقسیم شد. برای کمک به روستائیان تبعیضت، که ابزار کاره، بذر، آب و دیگر لوازم‌شوری جهت احیای کشاورزی را در اختیار نداشتند، «بانک فلاحه» تاسیس شد و شرکت‌ماشین‌های آبیاری، ایجاد گردید. تحت رهبری فرقه دمکرات آذربایجان مردم به فعالیت گسترده‌ای در رشته آبادی و عمران دهات و شهرها دست زدند. اقدامات جدی علیه بیکاری معمول داشته شد. کارخانجات قدیمی احیاء گردید. توسعه داده شد و کارخانجات و موسسات صنعتی تازه‌ای احداث گردید.

محض نمونه میتوان گفت که تنها یک کارخانه جدید جوهر باقی و کتی‌بانی، که بمبلغ یکمیلیون و چهارصد هزار تومان برای حکومت ملی آذربایجان تمام شده بود، پیش از پانصد نفر دختر و زن جوان کارگر را از لحاظ کار، و کلیه نیازمندیهای کارگران، از حمام، رستوران و باشکاه گرفته، تا زایشگاه زنان و اطاق‌بچه‌های شیرخوار و اطفال کارگران، حتی اطاق اسباب‌بازی آنها (سبب تعجب هیئتی شده بود که قوام‌السلطنه به آذربایجان اعزام کرده بود) تأمین میکرد. کارخانه‌ها تحت نظارت مستقیم کارگران با بهره‌دهی زیادتر کار میکرد.

اقداماتی که حکومت ملی برای رفع نیازمندیهای مالی آذربایجان بعمل آورد (دولت مرکزی همه اعتبارات آذربایجان را مسدود و حتی ۱۶ میلیون تومان پول مردم را از بانکهای آذربایجان خارج کرده بود) «انتخاب سهام خزانه آذربایجان را بتدری زیاد کرد که هر ده‌ریالی در بازار تبریز به پانزده ریال خرید و فروش میشد» (روزنامه دانه، ۲ مرداد ۱۳۲۰)، شبکه بهداشت عمومی پی‌ریزی شد. در رشته فرهنگ، اطلاع‌رسمیت زبان آذربایجانی امکانات وسیعی برای پیشرفت ایجاد کرد. تاسیس دانشگاه، توسعه مطبوعات، فعالیت رادیو، احداث «چاپخانه معارف»، «چاپخانه آذربایجان»، تشکیل «اداره هنرهای زیبا»، «نات دولتی»، «مارکتر ملی و فیلارمونی آذربایجان»، «جمعیت شاعران و ادیبان آذربایجان» و غیره به رشد فرهنگ خلق، آموزش و پرورش نوآوران و جوانان، مبارزه با بیسوادی و غیره کمک شایان میکرد. حتی دولت خیانت‌پیشه قوام در تصویب نامه ۷ ماده‌ای مورخ ۱۲ اردیبهشت ۱۳۲۰ متصرف بود که «اصلاحات آن‌سامان جلب‌نظر نکرده است» و در لایحه ۱۶ ماده‌ای پیشنهادی به هیئت نمایندگی آذربایجان (مورخه ۲۹ اردیبهشت ۲۴) «تفصیلت دمکراتیک (را) که در این اواخر در آذربایجان بمنظور استحکام اصول دمکراسی و آزادی در تمام کشور ایران بعمل آمده» برسمیت شناخت.

اما رژیم طاغوتی شاهنشاهی بدستور اربابان امریکائی خود، که از پیشرفت خلق سخت بهراس افتاده بودند، نیروهای خود را برای سرکوب جنبش دمکراتیک آذربایجان متمرکز میکردند، تا بالاخره موافقت‌نامه ۲۳ خرداد ۱۳۲۰ را زیر پا گذاشتند و به پهنه اجرای انتخابات به آذربایجان قشون کشیدند و فجایعی بی‌ار آوردند که حتی ایدئولوگهای امریکائی را هم به حیرت انداخت.

جنبش‌رهاییبخش ملی شکست‌ناپذیر است

لیکن جنبش رهاییبخش ملی، ضدامپریالیستی و دمکراتیک پدیده‌ای نبود که بتوان آنرا ریشه‌کن کرد. هنوز ۵۰ سال از وحشیگریها، کشتارها، تبعیدها و ترورهای رژیم طاغوت علیه خلق آذربایجان نگذشته بود که در سراسر ایران جنبش ضدامپریالیستی و مبارزه در راه ملی کردن صنعت نفت اوج تازه‌ای گرفت. سرکوب بیرحمانه این جنبش در ۲۸ مرداد ۱۳۲۲ هم، که با دخالت و نقشه مستقیم امپریالیسم امریکا و انگلیس و بدست نفاق‌انگیزی چون مظفر بقائی‌ها پیاده شده، نتوانست جنبش صدماله توده‌های زحمتکش مردم را براندازد. موج عظیمی که با تمیذ رهبر بزرگ مردم مستمف ایران امام خمینی آغاز شد، در نتیجه پیگیری و قاطعیت و فداکاری و قهرمانی خلق ویکیگری و قاطعیت رهبر انقلاب، با استفاده درست از تجربیات گذشته این تاریخ پرفراختر، بالاخره به چنان پیروزی شکوهمندی رسید که رژیم فاسد ۲۵۰۰۰ ساله شاهنشاهی را برانداخت و اینک قدم مقدم، با عزمی راسخ، حقیرای شایان و قهرمانیهای کم‌نظیر در مبارزه علیه امپریالیسم بسرگردگی امریکا، در راه استقلال، آزادی، ترقی و رفاه همگانی پیش میرود.

لنای وحدت، که رهبر انقلاب و بنیادگذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی، با تمام نیرو سر داده است، عصاره و شیره همه تجربیات ارزنده تاریخ یکصدساله جنبش رهاییبخش ضدامپریالیستی، ضداستعماری و ضدفاشیستی است، که مسردم زحمتکش، مبارز و ایثارگر ایران بیش برده و به پیروزی رسانده‌اند. پدام تفرقه‌اندازان و نفاق‌انگیزان نیابتی و مبارزه را تا پیروزی قطعی و نهائی زیر رهبری امام خمینی پیش ببریم. جایزیدان‌باد خالره درخشان شهیدی قهرمان نهضت ۲۱ آذر، که امروز نیز الهامبخش «ارزان شیرمرد و شیرزن دلیر و قهرمان در جنگ علیه رژیم مزدورصدام» نیر علیه امپریالیسم امریکا است!

است: «تجدید پیمان با رهبر انقلاب و بنیادگذار جمهوری اسلامی امام خمینی» و «محوکردن قاطعانه برخورد‌های مسلحانه». اعتماد باینک «در حکومت اسلامی مردم کردستان از اسارت... رهایی خواهند یافت» و حق اداره امور داخلی را بدست خواهند آورد». تقاضا «از عموم افراد مسلح موجود در منطقه مهاباد» که «بجای برخورد مسلحانه، همه با هم به امور تولیدی و ساختن مسجد و مدارس و مسکن برای رهایی منطقه بپردازند». تقاضا از مقامات انتظامی که «از روشهای کنونی و جلب و توفیق و ایدئولوژی منطقه خودداری نمایند و «کلیه تعقیقات» را برطرف کنند و دوایر دولتی و مدارس را مجدداً بکاریندازند. در این منطقه بسیار حساس پدید کشته است، بقال نیک‌میگری و ما از مجلس شورای اسلام ایران، از دولت انقلاب، از نهادهای انقلابی و دست‌اندرکاران مسئله کردستان انتظار داریم به خواستهای مردم مهاباد، روح آن در قلعنامه مذکور فوق منعکس است، توجه «ر» سریع و هرچه جلدی بشود تدابیر فوری و قطعی در این زمینه اتخاذ گردد. این اقدام در شهرستان مهاباد می‌تواند الگو و نمونه‌شکل در کلیه مناطق دیگر کردستان باشد، زیرا مهاباد در زندگی سیاسی کردستان نقش برجسته و گاهی تعیین‌کننده دارد.

سازمان حزب توده ایران در رودس توطئه‌های تفریق‌کنان را محکوم کرد

سازمان حزب توده ایران شهرستان رودس با اعلامیه‌ای به تمام نیروهای انقلابی این شهرستان در توطئه‌های رنکارنگ ضد انقلابی هشدار داد. در این اعلامیه که به دنبال حمله عناصر ضد و ناکام به کتابخانه قلم و تخریب آن در روز عاز انتشار یافته، ضمن طرح این که انقلاب ایران یکو بزرگترین ضربات خود را بر خارتگران بین‌المللی، بخصه امپریالیسم امریکا و وابسته داخلی‌اش وارد آورده، آمده است: «زمانی که ملت قهرمانان دلیرانه در برابر تجاوز امریکائی حکومت بشی عراق می‌رزم امام خمینی رهبر انقلاب فرزند انقلابان را کنار گذاشت» و «توطئه با حمله به نیروهای مبارزه، که همان مبارزه امریکا و رژیم صدام چنان است، منحرف سازند»

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

سازمان حزب توده ایران همدان ۵۰۰۰۰ ریال سازمان حزب توده ایران پابلس ۴۰۰۰۰ ریال سازمان حزب توده ایران پابل ۵۰۰ ریال سازمان حزب توده ایران سنجان ۵۰۰۰۰ ریال. ف. از چالوس ۸۰۰۰۰ ریال. ن. از چالوس ۵۰۰۰۰ ریال. حیدر از چالوس ۵۰۰۰۰ ریال. منصور از چالوس ۳۰۰۰۰ ریال. م. الف. دانش‌آموز لنگرود ۱۱۰۰۰ ریال. مختار ۲۰۰۰۰ ریال.

علاقتمندان می‌توانند کمک مالی خود را بحساب بانک به‌نام توده ۱۸ شماره شعبه ۳۲۳۲۲ بانک ملی ایران (شعبه همدان)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی بپردازند.

خواستهای مردم...

بقیه از صفحه ۱
 تقام و برادری که پدیدار کشته است، خرسندیم. این جو سالم برادری را، که مردم مهاباد و پاسداران انقلاب با هم می‌نشینند، دره‌ها را بهم می‌کوبند و چاره‌های می‌جویند، باید با تمام وجود حفظ کرد و بسط داد. مقابله با انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، اگر از روی ناآگاهی باشد، گمراهی خطرناکی است و اگر از روی آگاهی باشد، خیانت ضدانقلابی است. انکار حقانیت خواستهای مشروع خلق کرد (در حدود امکانات موجود) نیز اگر از روی ناآگاهی باشد، گمراهی خطرناکی است، و اگر از روی آگاهی باشد، تیشه‌زدن به ریشه اختیار

و حیثیت انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است. ما اسناد پراستباری چون پیام تاریخی امام خمینی (۲۶ آبان ۱۳۵۸) و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را در اختیار داریم. خلقهای برادر ایران بارشده‌های عمیق قرون و اعصار با هم پیوند ناگسستی دارند و یک‌فرهنگ عمیقاً انسانی ادواج آنها را بهم پیوند میدهد. با وجود همه این واقیتهای پس‌چه چیزی سببشده که مسئله کردستان به یک «معما لاینحل» و یک «کره‌کوب» و یک جنبش فاجعه و درد و عذاب برای خلق کرد «جمهوری جوان اسلامی ایران» تبدیل شود؟ جز تحریکات ضدانقلاب از هر دو سو، جن ندامت‌کاری و رک‌فزاری در جنگل راه‌ها، موم‌وخیالات

انقلاب ایران در آستانه یک تعمیق کیفی است

**بدون تحکیم
خصلت های
ضد امپریالیستی
(استقلال طلبانه)
و ضد استعماری
(خلقی) انقلاب،
حرکت به پیش
محال است**

داران وابسته، بزرگ مالکان، افراد عالی رتبه رژیم سابق اعم از کشوری و لشکری، ساواکی ها، عمال مستقیم سرویس های جاسوسی امپریالیستی و کلیه دیگر قشرهایی که از انقلاب زیان دیده اند، اینک چشم امید را به این ملت «اجتماعی دوخته اند و بسیار امیدوارند که بتوانند جلوی سیل خروشنده انقلاب را از این راه بگیرند. این آخرین امید آنها در چارچوب درون اجتماع است، بویژه که روزبه روز از «عجزه» ارباب خارجی نومیدتر می شوند.

۲) اما توشه ایدئولوژیک آنها در سه نکته اساسی خلاصه می شود:

الف) راه تکامل ایران همان راه سرمایه داری است، که رژیم گذشته هم آن راه را می پیومد، منتها با این تفاوت که باید جای غارتگران سابق را نوجه غارتگران تازه بگیرند و سپس این نوکیشان بازار آشفته سرمایه داری، به سرعت خود را به سطوح فوقانی ثروت و غارت برسانند. البته این سرمایه داری مایل است، به اتکاء انقلاب، به اتکاء جوش و خروش ضد امپریالیستی مردم، با غرب بیشتر چانه بزند و منابع ثروت و بازار داخلی ایران را بیشتر زیر کنترل بگیرد. اما عملاً این نخواهد شد. سرمایه داری جهانی به میزان قیاس ناپذیری از سرمایه داری ایران نیرومندتر است و در چند بیچوتاب گشتی، آقایان را «ضربه فنی» خواهد کرد و آنها هم درست و صد درصد از همان جا سردر خواهند آورد که خانواده پهلوی و نوکرانش آنجا بودند. این در منطق اشیاء، در منطق تاریخی رقابت های سرمایه داری است.

حساب های سفیانه و کودکانه کسانی که می خواهند گویا از تضاد بازار مشترک و زاین با آمریکا استفاده کنند، نشانه بی اطلاعی صرف این افراد است. آمریکا مدت ها است میخ اقتصادی خود را محکم در سرزمین هایی مانند آلمان غربی، ژاپن، انگلستان، فرانسه و غیره کوفته است و دست این آقایان از هر باره زیر ساطور امپریالیسم مقتدر، محیل، ثروتمند و متجاوز آمریکاست و هیچ کشور سرمایه داری در جهان نیست که در آن آمریکا فرمانروای نهایی و اساسی نباشد.

ب) عنصر دوم در توشه سیاسی لیبرال های وطنی، واژه شیرین «آزادی» است. آنها از میان آزادی های فردی و آزادی های اجتماعی (آزادی از استثمار و استعمار)، به این دومی اعتقادی ندارند. به آزادی های فردی نیز، در آن حد معتقدند که برای احزاب بورژوازی و احیانا «چپ» قلابی و دست نشانده، میدان عمل معینی، موافق دلخواهشان ایجاد شود. برای حزب توده ایران همان قانون شوم ۱۳۱۵ رضل خان (به قول آرائی قانون سیاه) وجود دارد و دیگر حلی از تردید باقی نیست. تکلیف «روحانیت مبارز» و احزاب و سازمان های پیرو خط امام نیز روشن است. آن بخشی از چپ، که با امپریالیسم و لیبرالیسم درافتاده است، نیز سروسسی خوشتر از ما نخواهد داشت. لذا لیبرالیسم لیبرال های وطنی دارای آن چنان محدودیتی است که به آقای و سروری خودشان ختم خواهد شد و آنها هم سرانجام مانند شاه ملعون خواهند گفت: «در ایران همه گونه آزادی هست، جز آزادی خیانت!» و تمام مخالفان سیاست خود را با حربه «قانون!» طرد خواهند کرد.

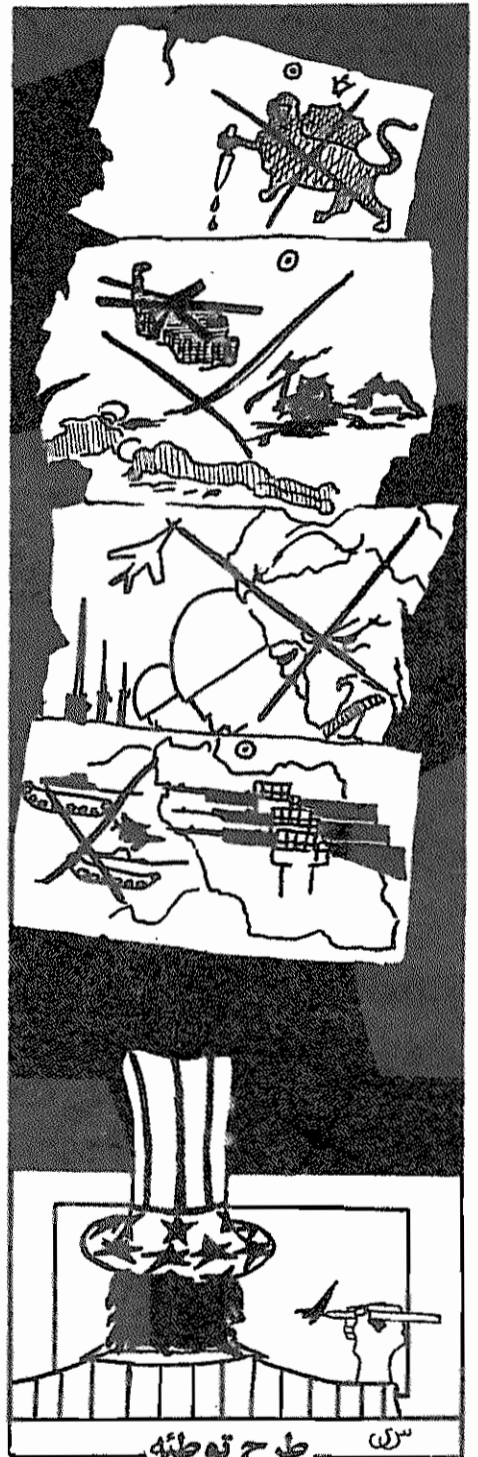
ج) عنصر سوم در توشه لیبرال های وطنی اعتقاد به ضرورت همکاری با امپریالیسم است و به همین جهت در نظر آنها اشغال لانه جاسوسی و «گروگان گیری» گناهی است عظیم و آن توبه ای که ما از جهت عدم مداخله به آمریکا پیشنهاد می کنیم، گویا خود ما باید در برابر آمریکا بدان دست زیم! این آقایان امپریالیسم را بسیار قدر قدرت می دانند. اگر امپریالیسم به شما اخم بکند، پس شما «منزوی» شده اید! اگر امپریالیسم شما را «محاصره اقتصادی» کند، پس شما نابود شده اید! به نظر آنها سیاست خارجی گویای ایران، که به دنبال گفته امام خمینی می گوید: «آمریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند» و «اتحاد مستضعفین جهان علیه مستکبران جهان» باید انجام گیرد، چیزی نیست شبهه دیوانگی. این طرز فکر لیبرال های وطنی بدانجا می رسد که تلاش برای استقرار روابط «برادرانه» با ضیاءالحق، این جاسوس منفور امپریالیسم با حرارت تر انجام می گیرد، تا تلاش برای استقرار روابط عادی با معمر قذافی ضد امپریالیست، که حامی صادق انقلاب ایران است. همه ما شاهد صحنه های این دو جریان در ماه های اول انقلاب بودیم. چنین است پایگاه طبقاتی و توشه سیاسی

منشاء فکری و طبقاتی جدا از هم، بایکدیگر وارد تضاد جدی خواهند شد. حزب ما در تحلیل های خود صریحاً گفت که این روند «که بر که چیره خواهد شد؟»، یک روند قانونی در همه انقلابهاست. همه انقلابها تا دورانی دچار «دوقدرتی» هستند. یکی از آن دو، جناح محافظه کار انقلاب، به نخستین نتایج سیاسی حاصله از انقلاب راضی است و نمی خواهد قدمی فراتر گذارد. قدرت دیگر، جناح رادیکال، تحول سیاسی را کافی نمی داند و خواستار تحولات ژرف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی است، تا نظامی از جهت کیفی نو، در کشور پدید آورد.

این قانون اجتماعی انقلابها در کشور ما حتی به شکل «کلاسیک» و نمونه وار بروز کرده است. جناح لیبرالها به نمایندگی بورژوازی و دیگر قشرهای مرفه جامعه از سوئی، و جناح خلقی به رهبری امام خمینی به نمایندگی محرومان جامعه، یعنی همان خلق مستضعف (که اکثریت مطلق جامعه را در برمی گیرد) از سوی دیگر. تاریخ پس از انقلاب، تاریخ نبرد این دو نیرو است و سرنوشت آتی انقلاب بسته است به این که کدام یکی از دو نیرو غالب خواهد آمد. پس از فرو ریختن بساط استبداد سلطنتی، امپریالیسم نیز در میان این دو جناح انتخاب خود را کرده است. البته امپریالیسم حتی از جناح لیبرال در بست خوش نمی آید و تمایل واقعی به جاکران تحت فرمان خود - مانند اسرفها، بختیارها، اویسی ها است. حتی در میان این جاکران تحت فرمان، امپریالیسم آمریکا احیاً رژیم استبدادی - نظامی پهلویها را اویسیها را بر نوع «آزادی» ترجیح می دهد، زیرا مطلب بر سر غارت ایران و تصرف بازار آن و تبدیل آن به پایگاه نظامی است، و این کار را رژیمی که ابداً ریشه ای در داخل جامعه نداشته و تماماً «سای» بنتاکون و سیا باشد، البته بهتر انجام می دهد. سوهارتو، پیئوشه، سادات، ضیاءالحق، خالد، ملک حسین، ملک حسن و از این نوع سگان زنجیری بیشتر مطلوب امپریالیسم است. ولی وقتی نتواند به حد اکثر برسد، چه کند؟

وقتی نتواند، توقف را برای دوران معینی پائین می آورد. رهبری لیبرالها، که خواستار راه رسد سرمایه داری و همکاری اقتصادی و نظامی و سیاسی با غرب و برپا داشتن نظام های اداری - قضائی به سبک باختر هستند، البته برپایس از رهبری امام خمینی، که خواستار استقرار روش ضد استعماری و قسط اجتماعی و تحول خلقی - اسلامی، همه نهادهاست، به مراتب بهتر است. قبلاً این نکته را متذکر شویم که ما به زندگی - نامه فردی لیبرالها کاری نداریم - ما با لیبرالها به عنوان یک جناح سیاسی کار داریم که دارای ماهیت طبقاتی و اجتماعی معینی هستند. ما با این ماهیت طبقاتی و اجتماعی کار داریم. اما به عنوان جناح، لیبرالها دارای یک پایگاه طبقاتی و یک توشه ایدئولوژیک هستند: ۱) پایگاه طبقاتی آنها، سرمایه داری است. بخشی از سرمایه داری وابسته به همراه رژیم سرنگون شده، از صحنه خارج شده است، ولی سرمایه داری بزرگ، حتی پس از انقلاب، از مجاری مختلف، خود را گاه فریتر از پیس ساخته است. بخشی از بازارهای تهران، اصفهان، تبریز، مشهد، شیراز، قم، گرگان، رشت و غیره تکیه گاه این سرمایه داری بزرگ دلال است. اقدامات دولت انقلاب در ملی کردن موسسات خلقی، بانکها، بیمهها، جلوگیری از ضرافیها، تدارک برای ملی کردن بازرگانی خارجی، این قشر نیرومند و ثروتمند سرمایه داری بازار را سخت نگران می سازد. در گذشته دین اسلام برای آنها تنها اجراء برخی مراسم عبادی بود، نه «قسط» و عمل صالح اجتماعی. غارت، احتکار، گران فروشی، قاچاق ارز، بست و بند با شرکت های خارجی، رباخواری و انواع صنایع دیگر در نزد این «حاجی آقا» های به اصطلاح دین دار، امور به کلی مجاز و مشروع سمرده می شد، و سپس می شد با پرداخت سهم امام و خمس و زکات تمام پلیدیها را شست. این «دین داران» میلیاردی و میلیونی، «روحانیت» وابسته و خادم و «روشنفکران» وابسته و خادم خود را هم بوجود آورده اند، که در میان آنها از جمله نام رهبران حزب «خلق سلمان» و «نهضت آزادی» و «جبهه ملی» دیده می شود. بین این قشر سرمایه داری و بقایای بزرگ مالکان و خانهای عشایر نیز پیوند دوستی و الفت و همکاری سیاسی - اجتماعی برقرار است. از هم حمایت می کنند. نه مانده ضد انقلاب کلاسیک، یعنی سرمایه

آنچه که اکنون در درون روند انقلاب ایران می گذرد، از دیدگاه تحلیل حزب ما، از همان اوان پلنوم ۱۶ کمیته مرکزی حزب (۱۳۵۷)، پدیده های نامنتظره ای نیست. حزب ما می دانست و به صراحت می گفت که نیروهای وارد در انقلاب همگون و هم هدف نیستند و دو خط مشی خلقی و لیبرال، که در مرحله براندازی استبداد شاهنشاهی با هم، علی رغم اختلافهای جدی و آشکار، به نحوی همکاری کرده اند، بدون تردید در سیر آتی انقلاب، در مسائل نوسازی جامعه ایران، به علت



**برای مقابله با
تجاوز نظامی آمریکا،
تمام خلق
باید از نظر نظامی
مجهز شود**

اجتماعی جناح لیبرال. ما اکنون با مرحله تمسیق تضاد و برخورد دو جناح لیبرال و خلقی روبرو هستیم، و همان طور که دبیر اول کمیته مرکزی حزب ما گفته است، طبیعی است که حزب ما مواضع خود را به مواضع روحانیت مبارز به رهبری امام خمینی نزدیک می بیند و پیشرفت مواضع بورژوازی لیبرالها را خطری جدی و ریشم ای برای انقلاب می داند. وقتی شما را به انتخاب مجبور می کنند، شما هم ناچار انتخاب می کنید. بین روحانیت مبارز، که از خط ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی پیروی می کند از سوئی، و لیبرالها، که در همه نکات با این خط دشمنی آشکار دارند از سوی دیگر، انتخاب ما منطقی و خواهناخواه متوجه روحانیت مبارز به رهبری امام خمینی است. هر عملی غیر از این، قرار گرفتن در تضاد با تمام ماهیت حزب و با تمام قاطعیت خط منی عمیقاً انقلابی، ضد امپریالیستی و مردمی حزب ما است.

جناح خلقی اکنون از جهت اجتماعی با معارض سخت تر از دستگاه استبدادی روبرو شده است، زیرا دستگاه استبدادی شاه منزوی بود و خلق علیه این دستگاه یکجا عمل می کرد. ولی اینک جامعه تقسیم شده است، ما اطمینان کامل داریم که اکثریت مطلق جامعه در جهت خط امام است و اثر برای مردم روشن شود که مشی لیبرالها از ششپانته منوی امام خمینی برخوردار نیست و از خط او جداست، مردم نیز مانند حزب ما انتخاب خود را بدون دغدغه و تزلزل می کنند. اکنون ممکن است ابهاماتی باشد که ناشی از آن است که لیبرالها در ظاهر هنوز خود را «فرزندان امام» می خوانند. باید خاطر نشان ساخت که انحمار طلبی، قشری گری و ریاده روی های گروهها و افراد معین و اشتباهات و ندانم کاری های مسئولان در حل مشکلات گوناگونی که در برابر نظام جمهوری اسلامی ایران قرار دارد، به این ابهامات میدان داده است.

ولی، اطمینان داریم که اگر مواضع لیبرالها برای مردم افشا شود، در آن صورت لیبرالها، مانند رژیم سابق، با اقیانوس مردم روبرو خواهند بود.

حساب لیبرالها که گویا می توانند با بهره برداری از جنگ تجاوزی رژیم صدام علیه ایران، با پشتیبانی بخش طاغوتی بازار، با پشتیبانی بخشی از روحانیت محافظه کار و حمایت غیر مستقیم ناراضیان از انقلاب و حمایت غیر مستقیم آمریکا و سایر کشورهای امپریالیستی سرانجام حاکمیت را در انقلاب به دست گیرند، حساب غلطی است. این را ما روشن می گوئیم و روشن تر از ما زمان خواهد گشت.

در این جا سخن از قلع و قمع لیبرالها نیست، بلکه از ضرورت عمیق گذاشتن تلاش های آنهاست، که به ضرر تعمیق کیفی انقلاب است. انقلاب ایران باید وارد مرحله عالی تر شود. «کدبرگه؟» باید به سود دیکراتیسم، یعنی سنگبری خلقی و بهزیان لیبرالیسم، یعنی سنگبری سرمایه داری خاتمه پذیرد. انقلاب باید خصلت های استقلال طلبانه و خلقی خود را تحکیم کند. این شرط پیروزی ما در جنگ با امپریالیسم آمریکا، با رژیم صدام، با ضد انقلاب، با تمام نیروهای گذشته است. این شرط حیاتی حرکت به پیش است و در این مبارزه، روش قاطع و خلقی است که مبراست، نه هیچ روش سازشکارانه دیگر.

نگاهی به سخنان وزیر کار و امور اجتماعی:

اعتقاد مادر کارخانه‌ها به توده کارگر است

وزیر کار،

قانون کار را فقط با مشارکت فعال و دقیق خود نمایندگان کارگران میتوان و باید در نظر داشت و به نحو احسن مورد توجه قرار داد.

از دیگر نکاتی که در کنفرانس مطبوعاتی وزیر کار به میان آمد، مسئله بازگشت مجدد عده‌ای از افراد پاکسازی شده ساواکی به سر کار در کارخانه‌ها و خطر وجود آنان بود. این عناصر بانفوذ گردن‌داز شوراها، و اساسا با شایعه‌پراکنی، دروغ‌زنی و دامن زدن به مشکلات و تحریک و فتنه‌انگیزی، همانا نقش ستون‌بنجم دشمن را به نحو بسیار خطرناک و در عین حال دقیق، همه‌جانبه و مومرنی ایفا می‌کنند.

وزیر کار به این مسئله توجه دارد و البته با تاکید بر این که "۹۹ درصد از برادران کارگر ما خوب هستند..." معتقد است که:

"با هشیاری برادران کارگران در

در اداره واحدهای تولیدی، مدیریت انقلابی ضرورتا به معنای نقسارت و مشارکت نمایندگان کارگران و کارکنان در این زمینه است.

کارخانجات و همچنین نظارتی که قانون برای وزارت کار معین نموده است، این مسئله (خطرناک) منتفی می‌شود. من ایمان دارم که با اجرای هرچه سریع‌تر قانون شوراها و هشیاری و دقت عمل ما مسئولین، این مسائل حل می‌شود.

آری، مقابله با توطئه عناصر ضد انقلابی تنها در گرو قاطعیت انقلابی، وجود ضوابط انقلابی و تکیه بر حمایت خود کارگران است و در این زمینه نیز حق با وزیر کار است که می‌گوید:

"اعتقادم در کارخانجات به توده کارگر است. بنابراین ستون بنجم اخلال‌گر را باید شناخت و از طریق دادگاه‌های انقلاب با آنها مقابله کرد. وی می‌گوید:

"این عناصر نه تنها به انقلاب خیانت می‌کنند، بلکه بزرگترین خیانت را به کارگران ما می‌کنند. این‌ها خیانت به اصل شوراها، کارگری ما می‌کنند. در حال حاضر آن کسانی که مخالف وجود شوراها در کارخانجات هستند، خرابکاری‌های افراد را به حساب شوراها می‌گذارند و از وجود آنان بر علیه شوراها استفاده می‌نمایند...

وظیفه همین شوراها، انجمن‌های اسلامی و همین برادران کارگر ما است که دست این عناصر اخلال‌گر را از اقتصاد و تولید ما کوتاه نمایند..."

بدین ترتیب، موافق این انتظاری که از مجامع صنفی کارگری می‌رود، انتظار می‌رود که نقش لازم به آنان واگذار و اختیارات مورد نیاز به آنها تفویض شود.

آقای میرمحمد صادقی در مورد ترکیب شورای عالی کار نیز بر "کارگر بودن" اعضا، آن، به‌مابه معیار، انگست گذاشت و این که "آنان از طریق شوراها کارگری در شورای عالی کار شرکت خواهند کرد و مادر شورای عالی کار هم مثل دیگر جاها اصلا انگایی به وجود سرمایه‌داران نخواهیم داشت..." اطمینان می‌دهم که تفکر سرمایه‌داری را چه در وزارت کار و چه در شورای عالی کار تحمیل نخواهیم کرد.

آری، این آن اهرم مطمئنی است که رمز پیروزی به‌سمار خواهد رفت. اگر به‌خود کارگران تکیه کنیم، که خواهیم کرد، اگر وجود زالوصفتان انگل را تحمل نکنیم، که نخواهیم کرد، آن‌گاه گل شکفته کار و رنج زحمتکشان را دست حریص و خون‌ریز سرمایه‌داران بزرگ وابسته به امپریالیسم نخواهد چید و زندگی در سراسر واحدهای تولیدی ما سکوفان خواهد شد. در انقلاب ما، اگر جز این می‌بود، حیرت‌آور بود.

سخنان وزیر کار و امورات اجتماعی دولت جمهوری اسلامی ایران گواه عمی خلقی انقلاب است. در پی بردن طرح‌های انقلابی دولت با تمام وجود و به‌هر وسیله ممکن بکوشیم و آن‌ها را تعمیق کنیم، تحکیم بخشیم و گسترش دهیم.

راه‌اندازی واحدها، تولید هرچه بیشتر و مطمئن‌تر، محیط تفاهم - انقلابی در کار و منزوی کردن ضد - انقلاب و مبارزه با وابستگی در دستور است. باید مدیریت را با شرکت دادن مجامع صنفی کارگران، "انقلابی"، "مردمی" و مطمئن ساخت وزیر کار در سخنان خود به نکات درستی نظیر ضرورت از میان بردن تفاوت در حقوق و مزایا، شرکت مادر مجامع بین‌المللی مربوط به مسئله کار و نظایر آن نیز اشاره کرده که موضوع بحث کنونی ما نمی‌تواند باشد، هر چند بخودی خود، بودرخی خود پایان توجه است.

آنچه در این قریب به دو سال پس از انقلاب اهمیت تامی داشته‌است، ضرورت تدوین قانون کار و شرکت دادن نمایندگان کارگران، نظرخواهی از آنان در حکم و اصلاح طرح‌مقدماتی آن و جمع‌آوری پیشنهادها گوناگون از این طریق و نهایتا برگزیدن اصول و ضوابط محکم و انقلابی و بالطبع موافق منافع کارگران است.

حوسختانه وزیر کار نیز همین خط را دنبال می‌کند و می‌گوید:

"به‌محض آماده شدن این قانون (کار) آن را در معرض افکار عمومی خواهیم گذاشت... امیدواریم بتوانیم یک قانون نسبتا ایده‌آل در این مورد تهیه نماییم."

و از هم‌اکنون بیداست که روح ماده ۲۳ (حمای کارفرما) در این قانون وجود خواهد داشت. با این وجود باید تاکید کرد که قانون کار آینده، به لحاظ اهمیت آن، باید از هر جهت بازتاب ماهیت ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب باشد.

باید آسکارا در مقام دفاع از کار و زندگی مطمئن، مرفه و انسانی و پیرو برای کارگران برآید. نباید به هیچ بهانه و تحت هیچ عنوان در زیر ویم مواد آن، در لابلای تبصره - ها و آرایین واره‌ها و بالطبع با مبهم گذاشتن پاره‌ای از مسائل، که باید صریح و دقیق طرح و تنظیم شوند، اجازه داد که حقی از زحمتکشان - این صاحبان اصلی انقلاب - تضعیف شود. این جانب حساس شبه و تدوین چشم‌انداز روشنی را ترسیم خواهد کرد.

وزیر کار می‌گوید: "اگر دولت، در امر تعیین مدیران کارخانجات ملی شده قدری بیشتر دقت نماید، خوب خواهد شد."

و باید روشن کرد که این "قدری بیشتر دقت"، به معنای تزییق ضوابط انقلابی در تعیین سرپرست‌ها است، تا نمایندگان سرمایه‌داران بزرگ، عناصر غیر انقلابی، نا آشنا به درد جامعه و بیگانه با خواست‌های زحمتکشان، ناحق بر کرسی مدیریت تکیه نزنند.

خلاصه کنیم: "مدیریت واحدها دارای اهمیت زیادی است. امروزه

با شیوه‌های مقتضی، آن را به‌طور موزن و کارساز، فعال در خدمت طبقه کارگر و پیشبرد امر انقلاب در این محدوده، قرار داد.

برای این کار کمک خود کارگران و نمایندگان آنان بی‌دریغ است و تجربه آنان گرانقدر. نکته این جاست که وجود مفتنم سندیکاها و شوراها را باید با ارج گذاشتن به فعالیت و نقش آنها و با حمایت فعال از آنها همراه کرد. این درست است که علی‌رغم تصریح قانون اساسی در این زمینه، هنوز - همان‌طور که وزیر کار می‌گوید - گام‌های عملی برداشته‌ایم و حدود تاثیر این نهادهای صنفی - انقلابی چندان مشخص نیست. درست از همین مبدا باید به مشکل مدیریت رسید. اگر شوراها کارکنان را، که از جمله نمایندگان برگزیده کارکنان را شامل می‌سوند، در کار نظارت، بررسی، تصمیم‌گیری و عملی کردن برنامه‌ها به‌بازی نگیریم، محققا غلبه بر "مسئله مدیریت" نه تنها آسان نخواهد بود، بلکه احتمالا

ما وابستگی را نمی‌خواهیم، برقراری مجدد سلطه سرمایه‌داری بزرگ را نمی‌پذیریم، از ملی‌سودن ساخه‌های عمده تولید و بروج و خدمات و ایجاد بختی گسترده تعاونی در حد واسط، به‌صریح قانون اساسی، جانبداری میکنیم. این راه را شروع کرده‌ایم و منسلماه یاری انقلاب و دم مسیحایی حمایت توده‌ای آن، تا به‌آخر طی خواهیم کرد.

وزیر کار به درستی از راه‌اندازی کارخانه‌های تعطیل شده، حتی با ایجاد مرکزی در وزارت کار به همین منظور، سخن می‌گوید و نیز تبلیغات واهی پیرامون ورستگستی بخش دولتی صنایع و غیرقابل رقابت بودن آن در مقایسه با بخش خصوصی را رد می‌کند. وی در این زمینه برای تداوم انقلابی اداره واحدها، به "یاری و مقاومت مردم" اشاره می‌کند...

بدیهی است که این کار مستلزم ایجاد آن‌چنان نظمی در وزارت کار است که به‌کلی با آهنگ حرکت و سمت آن در نظام طاغوتی پسین متفاوت و متضاد باشد. باید روح انقلابی را در بند بند این نهاد، حلول داد و

وزیر کار به درستی از راه‌اندازی کارخانه‌های تعطیل شده، حتی با ایجاد مرکزی در وزارت کار به همین منظور، سخن می‌گوید و نیز تبلیغات واهی پیرامون ورستگستی بخش دولتی صنایع و غیرقابل رقابت بودن آن در مقایسه با بخش خصوصی را رد می‌کند. وی در این زمینه برای تداوم انقلابی اداره واحدها، به "یاری و مقاومت مردم" اشاره می‌کند...

وزیر کار به درستی از راه‌اندازی کارخانه‌های تعطیل شده، حتی با ایجاد مرکزی در وزارت کار به همین منظور، سخن می‌گوید و نیز تبلیغات واهی پیرامون ورستگستی بخش دولتی صنایع و غیرقابل رقابت بودن آن در مقایسه با بخش خصوصی را رد می‌کند. وی در این زمینه برای تداوم انقلابی اداره واحدها، به "یاری و مقاومت مردم" اشاره می‌کند...

وزیر کار به درستی از راه‌اندازی کارخانه‌های تعطیل شده، حتی با ایجاد مرکزی در وزارت کار به همین منظور، سخن می‌گوید و نیز تبلیغات واهی پیرامون ورستگستی بخش دولتی صنایع و غیرقابل رقابت بودن آن در مقایسه با بخش خصوصی را رد می‌کند. وی در این زمینه برای تداوم انقلابی اداره واحدها، به "یاری و مقاومت مردم" اشاره می‌کند...

وزیر کار به درستی از راه‌اندازی کارخانه‌های تعطیل شده، حتی با ایجاد مرکزی در وزارت کار به همین منظور، سخن می‌گوید و نیز تبلیغات واهی پیرامون ورستگستی بخش دولتی صنایع و غیرقابل رقابت بودن آن در مقایسه با بخش خصوصی را رد می‌کند. وی در این زمینه برای تداوم انقلابی اداره واحدها، به "یاری و مقاومت مردم" اشاره می‌کند...

وزیر کار به درستی از راه‌اندازی کارخانه‌های تعطیل شده، حتی با ایجاد مرکزی در وزارت کار به همین منظور، سخن می‌گوید و نیز تبلیغات واهی پیرامون ورستگستی بخش دولتی صنایع و غیرقابل رقابت بودن آن در مقایسه با بخش خصوصی را رد می‌کند. وی در این زمینه برای تداوم انقلابی اداره واحدها، به "یاری و مقاومت مردم" اشاره می‌کند...

وزیر کار به درستی از راه‌اندازی کارخانه‌های تعطیل شده، حتی با ایجاد مرکزی در وزارت کار به همین منظور، سخن می‌گوید و نیز تبلیغات واهی پیرامون ورستگستی بخش دولتی صنایع و غیرقابل رقابت بودن آن در مقایسه با بخش خصوصی را رد می‌کند. وی در این زمینه برای تداوم انقلابی اداره واحدها، به "یاری و مقاومت مردم" اشاره می‌کند...

وزیر کار به درستی از راه‌اندازی کارخانه‌های تعطیل شده، حتی با ایجاد مرکزی در وزارت کار به همین منظور، سخن می‌گوید و نیز تبلیغات واهی پیرامون ورستگستی بخش دولتی صنایع و غیرقابل رقابت بودن آن در مقایسه با بخش خصوصی را رد می‌کند. وی در این زمینه برای تداوم انقلابی اداره واحدها، به "یاری و مقاومت مردم" اشاره می‌کند...

وزیر کار به درستی از راه‌اندازی کارخانه‌های تعطیل شده، حتی با ایجاد مرکزی در وزارت کار به همین منظور، سخن می‌گوید و نیز تبلیغات واهی پیرامون ورستگستی بخش دولتی صنایع و غیرقابل رقابت بودن آن در مقایسه با بخش خصوصی را رد می‌کند. وی در این زمینه برای تداوم انقلابی اداره واحدها، به "یاری و مقاومت مردم" اشاره می‌کند...

وزیر کار به درستی از راه‌اندازی کارخانه‌های تعطیل شده، حتی با ایجاد مرکزی در وزارت کار به همین منظور، سخن می‌گوید و نیز تبلیغات واهی پیرامون ورستگستی بخش دولتی صنایع و غیرقابل رقابت بودن آن در مقایسه با بخش خصوصی را رد می‌کند. وی در این زمینه برای تداوم انقلابی اداره واحدها، به "یاری و مقاومت مردم" اشاره می‌کند...

وزیر کار به درستی از راه‌اندازی کارخانه‌های تعطیل شده، حتی با ایجاد مرکزی در وزارت کار به همین منظور، سخن می‌گوید و نیز تبلیغات واهی پیرامون ورستگستی بخش دولتی صنایع و غیرقابل رقابت بودن آن در مقایسه با بخش خصوصی را رد می‌کند. وی در این زمینه برای تداوم انقلابی اداره واحدها، به "یاری و مقاومت مردم" اشاره می‌کند...

وزیر کار به درستی از راه‌اندازی کارخانه‌های تعطیل شده، حتی با ایجاد مرکزی در وزارت کار به همین منظور، سخن می‌گوید و نیز تبلیغات واهی پیرامون ورستگستی بخش دولتی صنایع و غیرقابل رقابت بودن آن در مقایسه با بخش خصوصی را رد می‌کند. وی در این زمینه برای تداوم انقلابی اداره واحدها، به "یاری و مقاومت مردم" اشاره می‌کند...

وزیر کار به درستی از راه‌اندازی کارخانه‌های تعطیل شده، حتی با ایجاد مرکزی در وزارت کار به همین منظور، سخن می‌گوید و نیز تبلیغات واهی پیرامون ورستگستی بخش دولتی صنایع و غیرقابل رقابت بودن آن در مقایسه با بخش خصوصی را رد می‌کند. وی در این زمینه برای تداوم انقلابی اداره واحدها، به "یاری و مقاومت مردم" اشاره می‌کند...

وزیر کار به درستی از راه‌اندازی کارخانه‌های تعطیل شده، حتی با ایجاد مرکزی در وزارت کار به همین منظور، سخن می‌گوید و نیز تبلیغات واهی پیرامون ورستگستی بخش دولتی صنایع و غیرقابل رقابت بودن آن در مقایسه با بخش خصوصی را رد می‌کند. وی در این زمینه برای تداوم انقلابی اداره واحدها، به "یاری و مقاومت مردم" اشاره می‌کند...

وزیر کار به درستی از راه‌اندازی کارخانه‌های تعطیل شده، حتی با ایجاد مرکزی در وزارت کار به همین منظور، سخن می‌گوید و نیز تبلیغات واهی پیرامون ورستگستی بخش دولتی صنایع و غیرقابل رقابت بودن آن در مقایسه با بخش خصوصی را رد می‌کند. وی در این زمینه برای تداوم انقلابی اداره واحدها، به "یاری و مقاومت مردم" اشاره می‌کند...

وزیر کار به درستی از راه‌اندازی کارخانه‌های تعطیل شده، حتی با ایجاد مرکزی در وزارت کار به همین منظور، سخن می‌گوید و نیز تبلیغات واهی پیرامون ورستگستی بخش دولتی صنایع و غیرقابل رقابت بودن آن در مقایسه با بخش خصوصی را رد می‌کند. وی در این زمینه برای تداوم انقلابی اداره واحدها، به "یاری و مقاومت مردم" اشاره می‌کند...

وزیر کار به درستی از راه‌اندازی کارخانه‌های تعطیل شده، حتی با ایجاد مرکزی در وزارت کار به همین منظور، سخن می‌گوید و نیز تبلیغات واهی پیرامون ورستگستی بخش دولتی صنایع و غیرقابل رقابت بودن آن در مقایسه با بخش خصوصی را رد می‌کند. وی در این زمینه برای تداوم انقلابی اداره واحدها، به "یاری و مقاومت مردم" اشاره می‌کند...

وزیر کار در پاسخ به سؤال‌هایی که در مجموع عمده‌ترین مسائل کارگری را در برمی‌گرفت، به‌کمبودها و تنگناها و نیز هدف‌ها و روس - های حوزه مسئولیت خود پرداخت. نظر به اهمیت موضوع، شایسته است بار دیگر، هر چند مختصر آن را مورد بحث قرار دهیم.

نخستین نکته‌ای که باید تصریح کرد این است که: صراحت و قاطعیت سخنان وزیر کار و موضع‌گیری آشکار ایشان به‌سود طبقه کارگر ایران و برای مقابله با دشواری‌های گسترده کنونی، درست، بجای و امیدبخش است. طبقه کارگر ایران و همه

رحمتکشان ایران و عموم مردم انقلابی ایران، که با عزم استوار به‌پاخاسته - اند تا نظمی نوین را سیریزی کنند و در جهت استقلال و ترقی جامعه - خوبی به هرفداکاری تن در دهند، بستنیان قاطع اقدامات انقلابی عموم مسئولین و از جمله وزیر کار هستند. درست همین بستوانه توده‌ای، انقلابی و ماندگار است که به دست‌اندرکاران نظام انقلابی امکان می‌دهد، در مقابله با دشواری‌ها و کارشکنی‌ها، هر سدی را از پیس ما بردارند و از سنگ اندازی‌ها بی‌بی‌بی بدل راه ندهند. در برابر این حمایت بی‌چون و چرا، انتظار زحمتکشان مفهوم کاملا انقلابی و طبیعی دارد. آنان حشم امید خود را به نابودی ستم و استثمار لجام - گسیخته پستاندو می‌دانند که این رسالت تاریخ‌ساز باطنی چه راه‌دشوار برعمق و طولانی به‌تمر خواهد رسید. اما آنچه اینجا و اکنون در برابر همگان قامت افراشته است به‌طور عمده مسائلی از قبیل بیکاری و اشتغال، تدوین قانون کار، لغو ضوابط ضد - کارگری و مهار کردن کارفرمایان، راه - اندازی واحدهای تولیدی، مساله مالکیت این واحدها، چارحوب کار، فعالیت و اساسا موجودیت انجمن - های صنفی کارگری (سورا و سندیکا) مدیریت تولید، سیوه‌کار و تسکيلات وزارت کار، نحوه مقابله با توطئه - های ضد انقلاب و عناصر دشمن در کارخانه‌ها و ساکساری آنها است.

بیکاری، واقعیتی است که آقای میرمحمد صادقی به‌درستی آن را از عوارض مبارزه بی‌ایمان برای غنیر نظام طاغوتی گذشته، و بویژه‌سای از عملکرد امپریالیسم آمریکا در ارتباط با وضع اجتماعی و اشتغال ایران می‌داند. بیکاری، البته در مواردی نیز ناسی از کارنامه ضعیف و استیبا آمیز برخی ار مسئولان، بخصوص در دوره دولت موقت - "گام به‌گام" است.

بیکاری، که در ذات نظام سرمایه‌داری است، مسلما برای یک نظام انقلابی و خلقی به‌ماه یک بیماری علاج‌پذیر جلوه‌گر می‌شود، که می‌توان و باید با طرح و اجرای برنامه - های معین در جهت نابودی آن‌گام برداشت. راه حلی که وزیر کار و امور اجتماعی ارائه می‌دهد، یکی به تحرك درآوردن و بسط تعاونی‌ها است، که اگر خوب اقدام شود، می‌تواند زمینه‌برچیدن بساط سرمایه - داری بزرگ شود و جوانان ما را ترغیب به فعالیت تولیدی نماید.

مسئله دیگر که مد نظر داریم راه انداختن کارخانجات و کارگاه‌ها و زمین‌های کشاورزی را کدمانده است...

این راه حل در کل درست و تعیین کننده است. دشمنان انقلاب ما، و در راس

وزیر کار به درستی از راه‌اندازی کارخانه‌های تعطیل شده، حتی با ایجاد مرکزی در وزارت کار به همین منظور، سخن می‌گوید و نیز تبلیغات واهی پیرامون ورستگستی بخش دولتی صنایع و غیرقابل رقابت بودن آن در مقایسه با بخش خصوصی را رد می‌کند. وی در این زمینه برای تداوم انقلابی اداره واحدها، به "یاری و مقاومت مردم" اشاره می‌کند...

وزیر کار به درستی از راه‌اندازی کارخانه‌های تعطیل شده، حتی با ایجاد مرکزی در وزارت کار به همین منظور، سخن می‌گوید و نیز تبلیغات واهی پیرامون ورستگستی بخش دولتی صنایع و غیرقابل رقابت بودن آن در مقایسه با بخش خصوصی را رد می‌کند. وی در این زمینه برای تداوم انقلابی اداره واحدها، به "یاری و مقاومت مردم" اشاره می‌کند...

وزیر کار به درستی از راه‌اندازی کارخانه‌های تعطیل شده، حتی با ایجاد مرکزی در وزارت کار به همین منظور، سخن می‌گوید و نیز تبلیغات واهی پیرامون ورستگستی بخش دولتی صنایع و غیرقابل رقابت بودن آن در مقایسه با بخش خصوصی را رد می‌کند. وی در این زمینه برای تداوم انقلابی اداره واحدها، به "یاری و مقاومت مردم" اشاره می‌کند...

وزیر کار به درستی از راه‌اندازی کارخانه‌های تعطیل شده، حتی با ایجاد مرکزی در وزارت کار به همین منظور، سخن می‌گوید و نیز تبلیغات واهی پیرامون ورستگستی بخش دولتی صنایع و غیرقابل رقابت بودن آن در مقایسه با بخش خصوصی را رد می‌کند. وی در این زمینه برای تداوم انقلابی اداره واحدها، به "یاری و مقاومت مردم" اشاره می‌کند...

وزیر کار به درستی از راه‌اندازی کارخانه‌های تعطیل شده، حتی با ایجاد مرکزی در وزارت کار به همین منظور، سخن می‌گوید و نیز تبلیغات واهی پیرامون ورستگستی بخش دولتی صنایع و غیرقابل رقابت بودن آن در مقایسه با بخش خصوصی را رد می‌کند. وی در این زمینه برای تداوم انقلابی اداره واحدها، به "یاری و مقاومت مردم" اشاره می‌کند...

وزیر کار به درستی از راه‌اندازی کارخانه‌های تعطیل شده، حتی با ایجاد مرکزی در وزارت کار به همین منظور، سخن می‌گوید و نیز تبلیغات واهی پیرامون ورستگستی بخش دولتی صنایع و غیرقابل رقابت بودن آن در مقایسه با بخش خصوصی را رد می‌کند. وی در این زمینه برای تداوم انقلابی اداره واحدها، به "یاری و مقاومت مردم" اشاره می‌کند...

وزیر کار به درستی از راه‌اندازی کارخانه‌های تعطیل شده، حتی با ایجاد مرکزی در وزارت کار به همین منظور، سخن می‌گوید و نیز تبلیغات واهی پیرامون ورستگستی بخش دولتی صنایع و غیرقابل رقابت بودن آن در مقایسه با بخش خصوصی را رد می‌کند. وی در این زمینه برای تداوم انقلابی اداره واحدها، به "یاری و مقاومت مردم" اشاره می‌کند...

وزیر کار به درستی از راه‌اندازی کارخانه‌های تعطیل شده، حتی با ایجاد مرکزی در وزارت کار به همین منظور، سخن می‌گوید و نیز تبلیغات واهی پیرامون ورستگستی بخش دولتی صنایع و غیرقابل رقابت بودن آن در مقایسه با بخش خصوصی را رد می‌کند. وی در این زمینه برای تداوم انقلابی اداره واحدها، به "یاری و مقاومت مردم" اشاره می‌کند...

وزیر کار به درستی از راه‌اندازی کارخانه‌های تعطیل شده، حتی با ایجاد مرکزی در وزارت کار به همین منظور، سخن می‌گوید و نیز تبلیغات واهی پیرامون ورستگستی بخش دولتی صنایع و غیرقابل رقابت بودن آن در مقایسه با بخش خصوصی را رد می‌کند. وی در این زمینه برای تداوم انقلابی اداره واحدها، به "یاری و مقاومت مردم" اشاره می‌کند...

وزیر کار به درستی از راه‌اندازی کارخانه‌های تعطیل شده، حتی با ایجاد مرکزی در وزارت کار به همین منظور، سخن می‌گوید و نیز تبلیغات واهی پیرامون ورستگستی بخش دولتی صنایع و غیرقابل رقابت بودن آن در مقایسه با بخش خصوصی را رد می‌کند. وی در این زمینه برای تداوم انقلابی اداره واحدها، به "یاری و مقاومت مردم" اشاره می‌کند...

وزیر کار به درستی از راه‌اندازی کارخانه‌های تعطیل شده، حتی با ایجاد مرکزی در وزارت کار به همین منظور، سخن می‌گوید و نیز تبلیغات واهی پیرامون ورستگستی بخش دولتی صنایع و غیرقابل رقابت بودن آن در مقایسه با بخش خصوصی را رد می‌کند. وی در این زمینه برای تداوم انقلابی اداره واحدها، به "یاری و مقاومت مردم" اشاره می‌کند...

وزیر کار به درستی از راه‌اندازی کارخانه‌های تعطیل شده، حتی با ایجاد مرکزی در وزارت کار به همین منظور، سخن می‌گوید و نیز تبلیغات واهی پیرامون ورستگستی بخش دولتی صنایع و غیرقابل رقابت بودن آن در مقایسه با بخش خصوصی را رد می‌کند. وی در این زمینه برای تداوم انقلابی اداره واحدها، به "یاری و مقاومت مردم" اشاره می‌کند...

وزیر کار به درستی از راه‌اندازی کارخانه‌های تعطیل شده، حتی با ایجاد مرکزی در وزارت کار به همین منظور، سخن می‌گوید و نیز تبلیغات واهی پیرامون ورستگستی بخش دولتی صنایع و غیرقابل رقابت بودن آن در مقایسه با بخش خصوصی را رد می‌کند. وی در این زمینه برای تداوم انقلابی اداره واحدها، به "یاری و مقاومت مردم" اشاره می‌کند...

وزیر کار به درستی از راه‌اندازی کارخانه‌های تعطیل شده، حتی با ایجاد مرکزی در وزارت کار به همین منظور، سخن می‌گوید و نیز تبلیغات واهی پیرامون ورستگستی بخش دولتی صنایع و غیرقابل رقابت بودن آن در مقایسه با بخش خصوصی را رد می‌کند. وی در این زمینه برای تداوم انقلابی اداره واحدها، به "یاری و مقاومت مردم" اشاره می‌کند...

راه‌اندازی عموم واحدهای تولیدی، گسترش تولید، مبارزه با ستون پنجم دشمن در کارخانه‌ها و تکیه بر انجمن‌های صنفی - انقلابی کارگری در همه زمینه‌ها، بویژه در تهیه و تدوین قانون کار، از وظایف اولیه وزارت کار و امور اجتماعی است.

قانون کار باید از نظر جامع، صریح و قاطع، خالی از ابهام و در بندبند خود مدافع بی چون و چرای منافع طبقه کارگر باشد.

تصویر



نام کارگر سهرت دیگری ندارم سیار رنج در پستانم اری و سینه‌های دستانم، قصه زندگی است بوستم؟ - در کارگاه زمانه دباغی سده من زره اتحادم جز نبرد و کار راهی ندارم سب و روز؟ فرقی ندارند. خواهران و برادرانم فرزندان و رفقایم باید آزاد زندگی کنند من هم می‌خواهم آزاد بمیرم برای این است که کار می‌کنم برای همین است که می‌جنگم.

جهان

کارگران مبارز ایران!
در یک‌دست با ابزار کار
و در دست دیگر با اسلحه، از میهن انقلابی دفاع کنید!

باز هم فتودالها حادثه آفریدند ونماینده دهقانان را کشتند دستشان کوتاه وریشه‌شان برکنده باد

در سبیده دم روز سه شنبه ۱۳۵۹/۸/۱۲ در روستای دویان نزدیک شهر داراب حدود ۴ کیلومتری داراب در جاده بین ده و داراب چندین نفر از افراد وابسته به خانواده یکی از مالکهای دویان بنام آقای کربلائی حیدرستی به نماینده روستائیان که شخصی مبارز و ضد فتودال بنام بهروز بخت که همکار ریهای پرارزشی با هیئت هفت نفری نیز داشت و حیثیت با چوب و چماق و اسلحه گرم حمله نموده و او را شهید نمودند و سپس جسد او را توسط ماشین حمل نموده و چندین کیلومتر آنطرفتر در نزدیکی پیرمرا در زیر یک ماشین شن پنهان نموده بودند که در حدود ساعت ده صبح جسد توسط روستائیان کشف گردید.

در حمله سبانه که به آقای بهروز بخت نموده بودند بازوی راست و بای راست در اثر ضربات چماق و میله آهنی کاملاً شکسته و خرد شده بود و به جمجمه نامبرده نیز ضربات شدیدی زده بودند که شکستگی جمجمه در طرف راست نیز داده بود در رابطه با این قتل حیدر (رستمی) و چندین نفر دیگر نیز دستگیر شده اند که اکنون در زندان زندان روستای داراب حبس میباشند. فعلاً ۵ نفر در این رابطه دستگیر شده اند.

این جنایت بزرگ مالکان نشان میدهد هنگامیکه منافع پلید طبقاتی آنها بخطر میافتد دهقانان حق طلب بپا میخیزند و دولت انقلابی هیئت ۷ نفری را برای احقاق حق بده میفرستد، از ارتکاب هیچ جنایتی رویگردان نمیشوند. خون بهروز بخت زمین ریخت و یک قلب پرشور و مدافع دهقانان از پیش با زاریستاد دلی هرگز نه آن هیئت ۷ نفری که شهید با آن همکاری داشته دهقانان دویان، نه هر دهقانی در استان فارس که این خبر را شنید او را فداکاری او را فراموش نخواهند کرد. و هرگز اجازه نخواهند داد این خون پایمال شود. صدام در خوزستان خون میریزد و ارباب در فارس، هر دو می‌کوشند تا بساط سلطه آمریکا و غارت وابستگان به آمریکا را دوباره به میهن انقلابی ما بازگردانند. ولی نه صدام موفق خواهد شد نه بزرگ مالکان این ها نیز عامل آمریکا و عامل طاغوت هستند.

حادثه جانگداز قتل دهقان مبارز بدست فتودالها زنگ خطر دیگری است. هشدار است که هر چه زودتر دست لیبرال های سازشکار روروحانی نمایان مخالف خط امام که در خدمت فتودالها هستند کوتاه شود. آنها توسط کرده اند تا هیئتهای ۷ نفری از زمین بروند و اقل اثر عملی نداشته باشند. وظیفه همه انقلابیون و نهادهای مسئول است از موجودیت و فعالیت هیئتهای ۷ نفری و عمل آنها در جهت اجرای قانون و احقاق حق، در جهت الغای بزرگ مالکی جنایتکار و غارتگر آدمکش در جهت زمین دار کردن تهیدستان روستا دفاع کنند.

مشکلات روستاهای کبوتر آهنگ

روستائیان آق تپه - داق داق آباد - پرورق و بیشر روستاهای کبوتر آهنگ از کمبود نفت و گاز و فیل که لطمه شدیدی بر کشت محصولات با توجه به ضیق وقت، میزند گلّه مندند و خواهان رفع این مشکل هستند. قابل ذکر است که تعداد زیادی از این روستائیان زحمتکش از جمله ۴۲ نفر از روستائیان آق تپه و حدود ۱۵ نفر از روستائیان داق داق - آباد و تعدادی از روستائیان پرورق و سایر روستاها بخاطر دفاع از میهن و دستاوردهای انقلابشان عازم جبهه های جنگ در غرب شدند که تعدادی از آنها به علت کهنسنت و عدم آشنایی به کاربرد اسلحه اجباراً برگشت داده شدند ولی آنها قصد دارند جبهه مقدسشان را در پشت جبهه و در سنگرهای مزارع با تمام تلاش و قوا انجام بفرستند. برای این منظور رساندن گاز و فیل به این روستائیان زحمتکش اهمیت خاصی پیدا میکند. مشکلات دیگر روستائیان مربوط به بانک کشاورزی کبوتر آهنگ است.

دهقانان! از اعضای متعهد نهادهای انقلابی جهاد سازندگی

وسپاه پاسداران برای تشکیل شورای ده و تسریع کار هیئت هفت نفری کمک بگیرید

تأیید و تأیید رزمی آریامهری را چشیده اند، در بیرون راندن رژیم طاغوت سهم بسزایی داشتند. بعد از انقلاب، این دهقانان دیگر نمی توانستند شاهد باشند که همان مالکان بر آنها فرمانروایی کنند و همچنان بیشتر اراضی را در دست داشته باشند و علیه جمهوری اسلامی ایران توطئه چینی کنند و با ایجاد ناراضی و پختن سیاحت و خرابکاری میهن را تضعیف کنند. به همین جهت دهقانان بی زمین و کم زمین این روستا به دفعات، به صورت اعتراض دسته

مبارزات دهقانان روستای امیرآباد با بارستم علیه مالک بزرگ روستا

روستای امیرآباد با بارستم، در حومه شهرستان نهاوند (استان همدان) واقع است. جمعیت این روستا ۲۵۰ الی ۲۸۰ نفر است. دهقانان این روستا، که خود سالها طعم ظلم و

مزدوری به روستا

حمزه کلا در مازندران

روستای حمزه کلا، در جنوب بابل و در ۱۵ کیلومتری آن و در کنار جاده قدیم بابل - آمل، واقع است. بیش از ۱۷۰ خانوار دهقان در حمزه کلا، زندگی می‌کنند. محصول این روستا فقط برنج است.

خواست اصلی دهقانان، حل مسئله زمین است

در حمزه کلا، زمین به مقدار زیاد وجود ندارد، بنابراین مجموع مساحت زمین های زیر کشت، ۴۰ هکتار است. هشتاد درصد پیش از ۱۳۰۰ خانوار (دهقانان حمزه کلا) بی زمین هستند و بقیه دهقانان کم زمین اند. تنها چند خانوار زمین دارند.

بزرگترین صاحب زمین در ده، تنها ۵ هکتار زمین دارد. بنا بر این در این ده بزرگ مالکی نیست. بسیاری از دهقانان بی زمین حمزه کلا به روستاهای اطراف آمل می‌روند تا روی زمین بزرگ مالکان زراعت کنند. آنها انتظار دارند که بعد از سالها کار، زمینها متعلق به آنها باشد.

مالکان و عناصر ضد انقلابی و روحانی - نمایان مخالف با خط امام به نتیجه برسند و جلوی فعالیت هیئت های ۷ نفره گرفته شود. موجودیت و فعالیت هیئت های هفت نفری در اجرای قانون یک عمل انقلابی است که خواست مصرانه دهقانان نیز است.

با حل مشکلات میتوان به از زیاد تولید کمک کرد

تهیه آب از مشکلات اساسی روستائیان حمزه کلا است. امسال بر اثر خشکسالی و نیاریدن باران، چاه آب بسیاری از منازل خشک و نیمه خشک شد. دهقانان از این جهت سخت در مضیقه قرار گرفتند. این روستا از نعمت آب لوله کشی بی بهره است در حالی که لوله اصلی آب آشامیدنی بابل، از کنار ده میگذرد. زنان این روستا مجبورند برای رختشویی و شستن ظروف از آب گل آلود شهری که از وسط روستا می‌گذرد، استفاده کنند. یکی از زنان در این باره می‌گفت: "مردم ده باید جسو بیفتند، با جهاد سازندگی صحبت کنند رختشویخانه درست کنند، لوله کشی کنند تا مردم ده آب آشامیدنی داشته باشند." این روستا درمانگاه و مرکز بهداشتی ندارد. اهالی مجبورند بیماران را به یک مداوا به بابل ببرند. ایستگاه درمانگاه در این روستا که در ضمن مورد استفاده اهالی روستاهای اطراف نیز قرار گیرد، از خواستهای دیرینه اهالی این روستا است. حمام ده نیمه بهداشتی است بعلت رطوبت شدید، دیوارها پوشیده و در بعضی از نقاط ریخته اند. آنها از جهاد سازندگی می‌طلبند تا تعمیر و بهداشتی کردن حمام را بعهده گیرد. کوجه های ده را، با اولین ریزش باران، آب و گل فرا می‌گیرد و بنحویکه عبور و مرور بسیار دشوار می‌شود. کمک جهاد سازندگی، برای حل این مشکلات مستقماً



دهقانان حمزه کلا - بابل:

با کمک به روستائیان، جبهه تولید را در پشت جبهه تقویت کنیم.

در کار و تولید دهقانان موثر واقع ند دهقانان این روستا بحق می‌خواهند که هر چه زودتر اراضی بزرگ مالکان اطراف منطقه بصورت مالکیت مشاع به آنها واگذار شود تا آنها از جوهر ستم چندین ساله مالک که جان آنها را به لب رسانده است، برهند. وضع ارضی ایجاب می‌کند که برای حل مسئله زمین در این روستا تولید تعاونی را بوجود آورند. همچنین ایجاد صنایع چینی برای جذب نیروهای کار ضروری است. دهقانان این روستا حاضرند با جان و دل چه در جبهه جنگ و چه در جبهه تولید و کشت بیشتر از انقلاب دفاع کنند.

دهقانان بی زمین حمزه کلا، دو نماینده از زمین خود انتخاب کردند. آنها به نهادهای مختلف انقلابی، وزارت کشاورزی، استانداری مازندران و حتی به دفتر امام رفته اند و شرح حال خود را بازگفته اند تا مشکل اساسی ۱۳۰ خانوار یعنی مسئله زمین راحل کنند.

متأسفانه تاکنون تصمیم قاطعی در مورد حل این مشکل بزرگ، از جانب مقامات مسئول گرفته نشده است. آنها

به اقدامات هیئت ۷ نفره واگذاری زمین که در بابل تشکیل شده است، چشم امید دوخته اند. و ایداً نمیتوانند قبول کنند که تشبثات لیبرالها و بزرگ

جمعی و شکایتنامه، نفرت و انزجار خود را نسبت به مالک ابراز داشته اند و در اعتراض نامه خود از مقامات مسئول خواسته اند که قانون مصوبه شورای انقلاب را دقیقاً اجرا کنند و زمینهایی را که مالک غصب کرده، به دهقانان که صاحبان واقعی زمین اند و در از یاد محصول زمینند، واگذار کنند. به علاوه دهقانان خواهان ایجاد دبستان، حمام، غسل خانه، کشیدنی برق، تأمین آب آشامیدنی، تأمین های واگذاری و تقسیم اراضی کمک کرد و جلوی خرابکاری ها و کار شکنی ها را گرفت. در شرایط کنونی که کشور ما در حال جنگ با رژیم مزدور و متجاوز بعث عراق است و احتیاج به تولید هر چه بیشتر محصولات کشاورزی و مواد غذایی دارد، جلوی لیبرالها و اربابان را، که به انقلاب ضربه میزنند و فشار وارد می‌آورند، باید گرفت.

نورالدین کیانوری (۲) «پرسش و پاسخ»

شخصیت‌های خلقی و ضد اهریماست نباید با لیبرال‌ها در یک صف قرار گیرند

۳- آیا کشورهای جبهه پایداری که با قاطعیت از انقلاب ایران در مقابل تجاوز آمریکا - عراق پشتیبانی میکنند وابسته هستند؟ ۴- فحاشی، تهمت زنی و تحریک زینده روزنامه‌های مدعی وفاداری به آرمان‌های انقلاب و جمهوری اسلامی ایران نیست (درباره اظهارات اخیر روزنامه «جمهوری اسلامی»)

جلسه مرسوم «پرسش و پاسخ» روز یکشنبه ۱۶ آذر ۱۳۵۹ با حضور رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، تشکیل شد. رفیق کیانوری به پرسش‌هایی که شرکت‌کنندگان در جلسه مطرح کردند، پاسخ گفت.
پیش‌اول این پرسش و پاسخ، در شماره دیروز «نامه مردم» درج شد و ادامه آن در این شماره به چاپ می‌رسد.

س: آقای بنی‌صدر در مصاحبه مطبوعاتی روز چهارشنبه ۱۲ آذر ۱۳۵۹، در برابر بررسی مبنی بر این که آیا نزدیکی به کشورهای وابسته نظیر سوریه، لیبی و الجزایر، پشت‌پازدن به شعار "نه شرقی و نه غربی" نیست، پاسخ داد: البته در وابستگی این کشورها بحث است. لطفاً در این مورد توضیح دهید.

ج: این سؤال کننده ظاهراً باید نماینده «روزنامه» «عدالت» باشد و اگر من اشتباه می‌کنم معذرت می‌خواهم. در نظر ما، وابستگی، هر کس که نوکر آمریکا نیست، مسلماً وابسته به اتحاد شوروی است. مثلاً هندوستان به نظر این‌ها وابسته است و هر کشوری که مناسبات سیاسی عادی دودستانه با کشورهای سوسیالیستی دارد، به نظر ما وابستگی‌ها که الان ستون پنجم امپریالیسم رادیکال جهان تشکیل می‌دهند، وابسته است. خوب آقای بنی‌صدر در این جا جوابی داده که چیزی از آن نمی‌شود فهمید. او گفته است: «البته در وابستگی این کشورها بحث است». نمی‌شود فهمید که آیا آقای بنی‌صدر هم معتقد است که این کشورها به شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی «وابسته» اند یا نه. این هم یک شیوه‌ای است که جواب صریح به مسائل ندهند. خوب بالاخره خیلی صریح می‌شود مطلب خود را گفت. از این جواب ممکن است شخص این‌طور بفهمد که جواب دهنده عقیده دارد که: بله من هم مثل شما معتقدم که این‌ها وابسته هستند، ولی گفتن این مطلب در شرایط کنونی دشوار است و یک مقام مسئولیت‌دار در رابطه با کشورهای که این قاطعیت از انقلاب ایران در مقابل تجاوز آمریکا - عراق پشتیبانی کرده‌اند، نمی‌تواند بگوید که آنها وابسته‌اند و استقلال ندارند. البته اگر چنین چیزی گفته شود، یک مطلب دیگر هم ناچور درمی‌آید، یعنی اگر مثلا آن مائوئیست، ادعا کند که این کشورها به اتحاد شوروی وابسته هستند، آنوقت حمایت بی‌دریغ آن‌ها از انقلاب ایران و این که مثلا لیبی حاضر شده است هر چه دارد، برای تقویت انقلاب ایران، در جنگ علیه تجاوز آمریکا - عراق در اختیار ایران قرار دهد، این هم قاعدتاً باید به دستور اتحاد شوروی باشد، چون یک کشور وابسته که بدون گرفتن دستور این کار را می‌کند. چنین ادعایی ناچور از کار درمی‌آید، زیرا نتیجه این خواهد شد که کشورهای سوسیالیستی هم مثل آن کشورهای وابسته به خود با تمام قوا از انقلاب ایران پشتیبانی می‌کنند. پس می‌بینیم که جواب صریح دادن به این سؤال دو سه جا نقص پیدا می‌کند و به این جهت شیوه رایج و راحتی به تازگی رود که جوابی داده شود که هیچ مدرکی به دست ندهد و درین حال هم «آره» و هم «نه».

ما نمونه‌هایی از این شیوه را در موارد دیگر هم سراغ داریم. مثلاً در مورد مالکیت، از مقام مربوط نمی‌رسند که مالکیت سرمایه‌داری را چه جور باید محدود کرد تا اقتصاد کشور راه بیفتد. جوابی که داده می‌شود این است که مالکیت در رونق اقتصادی و تولید نقش تعیین‌کننده ندارد یعنی اگر تمام دارایی و ثروت یک کشور مثل دوران طاغوت، متعلق به یک فرد شاهم باشد، هیچ تاسیری در رونق اقتصادی و تولید نخواهد کرد. می‌توان سرمایه‌داری و از جمله سرمایه‌داری وابسته را هم حفظ کرد، ولی فقط «امنیت و ثبات منزلت‌ها برجا باشد». ببینید جواب جقدر کشدار است. «امنیت و ثبات منزلت» حالا می‌بروید اثره المعارف رجوع کن و ببین مقصود از «امنیت چیست؟ ثبات منزلت» یعنی چه؟ و بعد این گفته که انسان باید حقوق و تکالیف قانونی خود را بداند و این حقوق و تکالیف دارای چنان تضمین‌های قانونی باشد که کسی نتواند به آن تجاوز کند، یعنی چه؟ یعنی این که سرمایه‌دار باید بداند که می‌تواند یک میلیارد داشته باشد و هیچ کس هم نتواند به این حقوق تجاوز کند! از این حمله خیلی چیزهایی می‌شود فهمید. ما البته با چنین برخوردهایی به مسائل اساسی که تعیین‌کننده سرنوشت اجتماعی ایران است، نمی‌توانیم موافق باشیم و این برخوردها را لوث کننده مسئولیت می‌دانیم.

س: چرا روزنامه «جمهوری اسلامی» به بهانه‌های مختلف به حزب توده ایران حمله می‌کند؟ چرا روزنامه «جمهوری اسلامی» درست از همان زمانی که سیاست با نظرگاه‌های حزب توده ایران نزدیک‌تر می‌شود، به این حزب ناسزا می‌گوید؟ چرا روزنامه «جمهوری اسلامی» علیه حزب توده ایران اعلام جرم کرده است؟ آیا بدین وسیله می‌خواهد بی‌اساس بودن تبلیغات لیبرال‌ها را در مورد «نزدیکی» حزب جمهوری اسلامی به حزب توده ایران، نشان دهد؟

ج: در این جا به هیچ وجه صحبت «نزدیکی» در میان نیست. حزب توده ایران از قبل از انقلاب و به ویژه از آغاز فعالیت علنی‌اش، کوشیده است در حدود امکانات واقعی خود (تصریح می‌کنم که در حدود امکانات واقعی خود) نظریاتش را در زمینه کلیه شؤون زندگی اجتماعی با صراحت کامل بیان کند و هیچگاه بیم نداشته است که بیان یک حقیقت مهم مربوط به سرنوشت انقلاب ایران، حتی آزادی فعالیت حزب توده ایران را به خطر اندازد. در این زمینه ما آنقدر دلیل و نمونه داریم که کمتر کسی می‌تواند تردید کند.

و اما در مورد این بخش‌های دیگر از نیروهای اجتماعی که در آغاز انقلاب با بعضی از موضع‌گیری‌های حزب توده ایران موافق نبودند یعنی مبارزه انقلابی هنوز صحت ارزیابی‌های ما را به آن‌ها ثابت نکرده بود، حالا با تجربه خود و درمیان عمل کم‌به‌درستی بسیاری از این ارزیابی‌ها می‌سرد و می‌برند. باید گفت که این واقعیت اجتماعی تمام انقلاب‌ها و جنبش‌های انقلابی جهان در طول صد و سی سال اخیر است. اولین کسانی که گفتند امپریالیسم یک رژیم غارتگر و جنایتکار است، تعدادشان بسیار کم بود. ماهیت این بدیده، نوین تکامل سرمایه‌داری غارتگر یعنی امپریالیسم که تعریف علمی آن را نخستین بار لنین بیان داشت، در آغاز بر عده بسیار معدودی شناخته بود. ولی امروزه فقط کمونیست‌ها، بلکه صدها و صدها میلیون افراد امپریالیست در سراسر جهان به ماهیت امپریالیسم به عنوان یک رژیم غارتگر و جنایت‌بیمه، پی برده‌اند. اکنون این شناخت

به فقط در جامعه ما، بلکه در تمام جوامع فراگیر می‌شود. زمانی بود که مالکیت فئودالی، مالکیت اربابان بزرگ‌مالک، «مقدس» به شمار می‌رفت. در ایران ما تا همین چندین سیش در «مقدس» بودن این مالکیت حرفی نبود. بنجاه سال پیش کسی که می‌خواست علیه «مقدس» بودن مالکیت یک بزرگ‌مالک حرفی بزند، سنگسار می‌کردند. ولی امروز میلیون‌ها نفر از مردم جامعه ما به این نتیجه رسیده‌اند که بزرگ‌مالکی یک نظام غارتگر اجتماعی است. پس طبیعی است که در جریان مبارزه علیه دشمنان انقلاب ایران، بخش‌های کواکوسی از انقلابیون راستین ایران به ساخت‌های تازه‌ای برسند که حزب ما دهها سال پیش به آن رسیده بود. باید توجه داشت که ما رویه‌مشت سال مبارزه در جامعه ایران نیست سر خود داریم.

هیچ سازمان سیاسی و هیچ نیروی سیاسی دیگری و حتی هیچ فرد جداگانه‌ای چنین تاریخی از مبارزه و چنین تجربه سرشاری ندارد. تازه علاوه بر همه این‌ها، ما همیشه کوشیده‌ایم از تجربه انقلابی خلق‌های دیگر جهان نیز به معنی حقیقی کلمه، بهره‌گیری کنیم، این تجربه‌ها را مطالعه کنیم و هرآنچه را که در این تجربه‌ها سودمند تشخیص دهیم، به کار بگیریم. با چنین واقعیتی، این غیر عادی نیست که کسانی امروز به همان شناختی برسند که ما یک دوره پیش به آن رسیده‌ایم. بسیاری از واژه‌ها و اصطلاحات علوم اجتماعی را نخستین بار حزب توده ایران در مطبوعات ایران و در زبان فارسی به کار گرفته است. همین واژه «لیبرالیسم» و «بورژوازی لیبرال» هم که امروز دیگر به فحش تبدیل شده و اکثر در مجلس به کسی بگویند لیبرال، خودش را توهین عده تلقی می‌کند، مثل این که اول بار توسط ما در فرهنگ سیاسی ایران وارد شده است، زیرا نخستین بار ما بودیم که در مبارزات سیاسی روی این مفهوم تکیه کردیم و حالا در مفاصل وسیع آن را شناخته‌اند. پس این طبیعی است که نیروهای اصیل انقلابی به تدریج به شناخت‌هایی برسند که در گذشته نداشته‌اند. مثلاً در دوران حکومت موقت، بخشی از نیروهایی که امروز شدیداً علیه لیبرالیسم مبارزه می‌کنند، با همین لیبرال‌ها که در دولت بودند، همکاری گام‌گام نزدیک داشتند و اگر ما در آن زمان علیه لیبرال‌ها صحبت می‌کردیم، شدیداً به ما حمله می‌کردند و می‌گفتند شما به دولت انقلابی ایران که مورد تائید امام هم هست، توهین می‌کنید، ولی حالا دولت «نام‌به‌گام» و «دولت موقت» خودش شده فحش و بخشی‌ها سعی دارند ثابت کنند که در آن دوران با دولت «گام‌به‌گام» موافق نبوده و در جبهه مخالفین قرار داشته‌اند.

و اما در مورد انگیزه‌های حمله به حزب توده ایران، همان‌طور که قبلاً هم به تفصیل گفته‌ایم، دشمنان و مخالفان حزب ما طیف بسیار گسترده‌ای دارند. و در همه نقاط دیگر دنیا هم نیروهای سوسیالیسم علمی از ابتدای پیدایش آن، همیشه با طیف عظیمی از مخالفان و دشمنان سرخست و روبرو بوده‌اند. حتی خیلی از درستان‌ها هم آن‌ها را درک نمی‌کردند و می‌آنها می‌تاختند. مثلاً همین سازمان تحریک‌های فدایی خلق - «انگرت» سکه آنها خود را پیروان سوسیالیسم علمی اعلام می‌کنند، تاریخچه‌ای از دشمنی و آشنایی‌های حزب ما پشت سر دارند که اثر بخوابیم همه آن‌ها را جمع کنیم، ششوی هفتاد تن می‌شود. با این وصف، لیبرال‌ها دیگر جای خود دارند. آن‌ها در وجود حزب ما بزرگ‌ترین دشمن خود را می‌بینند، برآهش‌گردهای کمی‌زنند ما اولین نیرویی هستیم که آن‌ها را افشا می‌کنیم و باین افشاکاری به دیگر نیروهای انقلابی هم کمک می‌کنیم تا آنها را سناستند و در دامشان نیفتند.

مخالفت با حزب ما، گاه از طرف برخی نیروها شکل بسیار بچکانه به خود می‌گیرد. برخی از این مخالفان اصلاً حدی به مسائل برخورد نمی‌کنند و تنها به فحاشی و تحریکات سیش یا افتاده می‌پردازند. یکی از نمونه‌های آن همین مطلبی است که امروز در «نامه مردم» دیدید: جناب حاشیه‌نویس که واقفا در حاشیه عرصه واقفیت‌های ایران نشسته است، جنان مطالب کودکانه‌ای علیه حزب ما نوشته است که حتی دوستانش هم در حزب خودش اذعان خواهند کرد که این دیگر حلی اندی است و تصور این - حزب توده ایران چنین کاری بکند، احمقانه است و ممکن نیست که این حزب حاضر شود کتاب خود را «تقلبی» زیر پوشش نام دیگران به داخل مدارس بفرستد. همه می‌دانند که کتاب‌های حزب توده ایران برای رسیدن به دست علاقمندان‌ش نیاز به این «تقلب»‌ها ندارد!

حال باید دید که انگیزه واقعی این تحریکات چیست؟ این کار دو انگیزه می‌تواند داشته باشد: یکی ناآگاهی و از روی یک دشمنی و کین توری بی‌منطق، مثل عمل کوه‌پیمانه‌ای که در پیچند دیرخانه ما را جا بجا بزند و کتاب‌های ما را از بین ببرد و یکی هم گام‌آگاهانه که در این صورت باید آن را جزئی از یک توطئه علیه حزب توده ایران تلقی کرد. برای این که پشتیبانی صادقانه حزب توده ایران از جریان اصیل انقلابی ایران یعنی از خط امام، نه تنها دشمنان عیان خط امام را عاصی کرده، بلکه عناصری راهم که ظاهراً در خط امام هستند، ولی در جهت مخالف آن عمل می‌کنند، برآخته کرده‌اند اقدامات تخریبی علیه حزب توده ایران و علیه پشتیبانی آن از این سمت‌گیری اصیل واداسته است. انگیزه سومی که در این زمینه می‌توان تصور کرد این است که این عمل واقفا کودکانه، برای «تیرش» خود در قبال حملات روزنامه‌های «انقلاب اسلامی» و «میزان» انجام گرفته باشد که مدام تهمت می‌زنند که سما «رفوتود» حزب توده ایران رفت‌اید و حزب توده ایران شما را «می‌ترساند». ولی در این صورت، مشکل ستان گفت که فحش و ناسزا و توهین‌های رکیک تاسر خلی ربادی دارد. به هر حال در مورد انتخاب و کاربرد الفاظ رکیک و زننده، ما باید اذعان کنیم که در این میدان، در میدان فحاشی، ما فوق‌العاده ضعیف هستیم و سلافاصله حلوی این گونه مخالفان و دشمنان، لنگ خواهیم انداخت و ضمناً باید بگویم که در صحنه سیاسی هر کسی از آن شیوه‌ها و وسیله‌هایی استفاده می‌کند که واقفا زینده خود می‌داند. ولی ما امیدواریم که روزنامه «جمهوری اسلامی» که ما برای صاحب امتیاز آن و برای رهبران حزب جمهوری اسلامی صرف نظر از اختلاف نظرهای خود با آنان، احترام اجتماعی قائلیم، اجازه ندهد که ارزش‌های انسانی را با آنجا بپایین آوردند که در صحنه سیاسی چنین شیوه‌هایی را به کار گیرند. این برای ما باعث تاسف است. اگر چنین مطالبی در «رنجیر» و «عدالت» یا دیگر ورق‌های تریچه‌های سوک و گروهک‌های آمریکا ساخته می‌شود، ما تعجبی نمی‌کردیم، زیرا آنها جز این شیوه دیگری ندارند، ولی برای روزنامه «جمهوری اسلامی» با توجه به مسئولیت و رسالتی که بر عهده گرفته است، به هیچ‌وجه شایسته نیست که به چنین شیوه‌هایی مبادرت ورزد.

متأسفانه این تنها روزنامه «جمهوری اسلامی» نیست که جنس بر - حوردی داشته است. روزنامه «انقلاب اسلامی» در این میدان سعی دارد

کوی سبقت از دیگران برپاید و در این زمینه گاه مطالبی نشر می‌دهد که حتی رئیس جمهوری را هم به دام می‌اندازد. مثلاً اشاعه این دروغ صریح که گویا حزب توده ایران برای میچینگ وسیعی که در چند روز پیش در اصفهان تشکیل شد و حجت‌الاسلام خلخالی در آن صحبت کرد، با کابینون به روستاها رفته و آدم آورده است. البته از آقای سلامتیان انتظار نداریم که از این حد بالاتر بروند و متین‌تر از این عمل کنند. این شیوه‌ها در شان و در حد اوست. ولی روزنامه «انقلاب اسلامی» هر چه باشد نام رئیس جمهور را بر خود دارد و ما متأسفیم که روزنامه‌های که مسئولیتش با خود رئیس جمهور است، به چنین تقصیرهایی دست بزنند و با چنین لاپلاخلاتی، در صدد تحریک و مشوب کردن ذهن رئیس جمهور بآید. در نتیجه همین تحریکات و فتنه‌انگیزی‌ها است که برای رئیس جمهور این تصور پیش می‌آید که گویا حزب توده ایران و چریک‌های فدایی خلق - اکثریت - در فلان محل، دودسته شده و یک‌دسته از روحانیت مبارز و یک دسته از بنی‌صدر حمایت می‌کنند و بدین وسیله جنگ حیدری - نعمتی راه می‌اندازند. البته ما فکر می‌کنیم که آقای بنی‌صدر از سیاست حزب توده ایران و به خصوص از انضباط حزب توده ایران حتماً اطلاع کافی دارد. در سازمان‌های دیگر ممکن است این بدیده مشاهده شود که این گروه یا آن گروه برای خود سیاست جداگانه‌ای در پیش گیرند و به اعمال جداگانه‌ای دست بزنند. ولی حزب توده ایران هرگز در جهت تشدید اختلاف بین رئیس جمهور و مجلس، بین رئیس جمهور و روحانیت مبارز، گام برنداشته و بر نمی‌دارد. ما همیشه با صراحت و قاطعیت گفته‌ایم که این اختلافات، تا آنجا که طرفین اختلاف به اصول سمت‌گیری انقلاب یعنی به ضرورت مبارزه علیه امپریالیسم و در درجه اول امپریالیسم آمریکا، به ضرورت مبارزه برای تغییرات بنیادی به سود خلق و در شرایط کنونی به ضرورت تجهیز همه نیروها برای درهم شکستن تجاوز عراق، اعتقاد دارند، باید مسکوت بماند و از تشدید آن جدا جلوگیری شود. این مطلب را ما بارها در نشریات خود اعلام کرده و لزوم مراعات یک آتش‌بس را لاقلاً برای دوران جنگ، خاطر نشان ساخته‌ایم.

حال که مطلب به اینجا رسید، یک نکته را هم در باره «تئوری» «القاء» ایدئولوژی باید توضیح دهیم. ظاهراً این «تئوری» را غضنفر یور وضع کرده است و این مطلب موجب تعجب ما شد، چون تاکنون توانایی وضع چنین «تئوری»‌هایی را در اوسراغ نداشته‌ایم. ولی در یکی از بخش‌های «کارنامه» رئیس جمهور مطلبی دیدیم که به همین «تئوری» مربوط می‌شد و روزنامه «تئورستی» «رنجیر» هم عین آن را با یک تیتیر درشت تحریک‌آمیز نقل کرد. در این بخش از «کارنامه»، از جمله چنین آمده بود: «روشی که این‌ها (یعنی حزب توده ایران) «برای القاء» ایدئولوژی دارند به این ترتیب است که عناصری از آن عارنگ ایدئولوژی که مال خودشان نیست و به اصطلاح توده ایران است ایدئولوژی را که مال خودشان نیست، مثلاً ایدئولوژی اسلامی را قبول می‌کنند و قیافه مسلمان به خود می‌گیرند و بعد می‌روند در خطر روحانیت مبارز و آنوقت یک هماهنگی بین کسانی که ایدئولوژی مارکسیستی را طبق دستور «برفردت روس» تبلیغ می‌کنند، یعنی حزب توده ایران و کسانی که رنگ ایدئولوژی غالب بر جامعه را پذیرفته‌اند - یعنی «تازه مسلمان‌های توده‌ای» (به قول آقای رئیس‌جمهور) یا «توده‌های مسم در لباس روحانیت» به وجود می‌آید.

این «سناریو» که برای ما درست کرده‌اند، البته خیلی جالب است، منتها باید بگویم که آدرس و آن هم دو آدرس را عوضی گرفته‌اند: یکی آدرس روحانیت مبارز که «سناریو» دعوی دارد. توده‌های ما در میان آن‌ها رسوخ کرده‌اند و آن‌ها را می‌گردانند و دیگری آدرس حزب توده ایران. این «سناریو» درست با شیوه‌هایی تطبیق می‌کند که مائوئیست‌های ایرانی در یک مرحله تاریخی یعنی هنگامی که در پی بردند که آن خنجر تاریخی را از پشت به محاهدین خلق زدند و بخشی از سازمان مجاهدین خلق را به سازمان مائوئیستی آمریکا ساخته «پیکار» مبدل کردند. آن‌ها با خود آقای بنی‌صدر هم دارند به همین نحو عمل می‌کنند. چه کسانی ایدئولوژی به اصطلاح مارکسیستی خودشان را رها ساخته و ایدئولوژی غالب را انتخاب کرده‌اند؟ ما می‌توانیم چند «مارکسیست» آمریکا ساخته مائوئیست را نام ببریم که ازین دوروبر ایشان وجز «اقتار هستند». البته این‌ها دعوی دارند که از گناهان گذشته توبه کرده، اسلام آورده‌اند. چه کسانی تئوری «سجبان» را پوشاکی و با عنوان دیگر آوردند و به نام ایدئولوژی تازه انتخاب شده خود جا زدند. و پس این وصله «القاء» ایدئولوژی» به پیکر حزب ما نمی‌چسبد. و اما برخورد ما به حملات تونگونی که به حزب توده ایران انجام می‌گیرد، بر - خورد‌های متفاوتی است. سلا برخورد به روزنامه «میزان» برخوردی نیست که به ضد انقلاب داریم. همچنین برخورد ما به لیبرال‌های «میزان» با برخورد ما به مائوئیست‌ها و برخورد ما به این‌ها با برخورد ما به برخی از اطرافیان آقای بنی‌صدر، متفاوت است. برخوردی هم که ما به تمام این طیف داریم با برخوردی که روزنامه «جمهوری اسلامی» با ما دارد یا سایر گروه‌های اسلامی مثلاً نشریه «سپاه پاسداران» یا ما دارند، به هیچ وجه یکی نیست. ما در هر موردی با بررسی دقیق چگونگی هدف‌ها و انگیزه‌ها موضع‌گیری می‌کنیم. ولی یک نکته را به همه مخالفان خود یادآور می‌شویم و آن این که اصحاب ما فوق‌العاده محکم و آهنین است. ما در هیچ موردی از میدان در نخواهیم رفت. صدوسی و دو سال است که هواداران سوسیالیسم علمی آماج اتهامات و ناسزاهایی هستند که این‌ها الان شمار ما می‌کنند. تمام مطبوعات ارتجاع جهانی، از مطبوعات وابسته به امپراتوران و قیصرهای اروپا و تاجداران آسیا و آمریکا گرفته تا مطبوعات بورژوازی و تمام دستگاه تبلیغات امروزی امپریالیسم، با بدترین و رکیک‌ترین الفاظ و اتهامات به هواداران سوسیالیسم علمی تاخته و می‌تازند. در این زمینه دیگر جای «پیکار» برای کسی باقی نمانده است و همان الفاظ رکیک قدیمی را هم باید تکرار کرد.

ما متأسفیم از این که سازمان مجاهدین خلق هم به نام یکی از گروه‌های وابسته خودش همین شیوه مبتذل را به کار برده است. همان‌طور که دفعه پیش گفتیم، ما هنوز هم می‌خواهیم تردید کنیم که این عمل واقفا با نظر رهبری سازمان مجاهدین خلق انجام گرفته باشد. ولی مثل این که زمان دارد می‌گوید، نه، تردید شما بیجاست و آنها هم با کمال تاسف در همین ورطه افتاده‌اند. امیدواریم که این فقط تصادفی و اتفاقی و ناسازی از یک استیاب حدی باشد و سازمان مجاهدین خلق به این سطح که ناسیبه مبارزات دوران گذشته آنها نیست، نیفتاده باشد. جریان نشان خواهد داد که این امید ما به جا بوده یا این که ما در این جا اشتباه کرده‌ایم. و اگر اشتباه کرده باشیم، خیلی متأسف خواهیم شد.

در جلسه علنی دیروز مجلس گفته شد:

دشمنان قسم خورده انقلاب و در رأس آنان آمریکا، تبلیغات مسمومی بر پا کرده اند

نمایندگان مجلس در نامه‌ای به امام خمینی خواستار تکمیل شدن تحقیقات در مورد شکنجه شدن...

دشمنان انقلاب در جبهه‌های داخلی هر روز توطئه جدیدی می‌چینند... احکام افراد تصفیه‌شده در وزارت آموزش و پرورش بزودی بررسی می‌شود

۴- تحقیقات را تا آخرین مراحل ممکن ادامه دهید، تا برای عموم روشن گردد که این نوع اعمال زیر نظر چه کسانی و با حکم کدام مقام انجام گرفته است.

۵- موارد دخالت افراد یا ارگان‌های غیرمستول در قوه قضائیه را، که موجبات چنین اعمالی را فراهم آورده‌اند، روشن ساخته و جهت آگاهی ملت اعلام کنید.

در اینجا حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی اعلام کرد که این نامه به اعضاء مجلس فرستاده خواهد شد.

دکتر جواد باهنر وزیر آموزش و پرورش در پاسخ گفت: «دشمنان می‌توانند ملکی کردن مدارس را ادامه کار باغیوتیان خواهند داد، ولی ما جاده قرم را هم ادامه دادیم، این دنباله کار باغیوتیان بود؟ چیزی که مهم است، هدفهاست. ایشان همچنین به مسائل امور تربیتی اشاره کردند.

که انقلاب ارزش‌های جدیدی بوجود آورده و نسل جوان انقلابی را وارد صحنه کرده، ما باید از این نسل استفاده کنیم».

دکتر باهنر سپس به ورود افراد بی‌صلاحیت به آموزش و پرورش اشاره و تأکید کرد که این موضوع به کمی‌فرست برمی‌گردد، و علاوه بر این، بی‌صلاحیتی ایشان با نوع بی‌صلاحیتی «معلمان وابسته» تفاوت می‌کند.

دکتر باهنر در قسمت دیگری از سخنان خود اظهار داشت:

«در مورد تعطیل مدارس لرستان و خرم‌آباد باید بگوییم که آنچه را که در آنجا انجام شد، صد درصد تأیید نمی‌کنیم، ولی در آنجا مشکلاتی وجود دارد... در حال حاضر مدارس در قسمت‌هایی از این منطقه هم فلان در اختیار مهاجرین جنگ زده است، ولی بهر حال ما در حال بررسی این کار هستیم».

لایحه پاکسازی بزودی بمجلس تقدیم می‌شود

وزیر آموزش و پرورش در مورد تصفیه و پاکسازی آموزش و پرورش گفت:

«سی درصد وقت کار روزانه ما صرف مسئله پاکسازی می‌شود. داستان از این قرار است که وزارت آموزش و پرورش پرسنل وسیعی، حدود ۵۰۰ هزار نفر، دارد. مهلت تعیین شده توسط شورای انقلاب برای پاکسازی برای آموزش و پرورش کافی نبود، در کنار این قضیه گروه‌های پاکسازی غیرمستول هم در شهرهای مختلف به کار مشغول بودند... وقت هم کم بود و ضوابط هم خیلی مشخص نبود، در نتیجه گروه‌های پاکسازی نظریات مختلفی می‌دادند، مسئله

شوند. مقداری از این بودجه جذب شده و مقداری هم به خارج رفته و بعد آمده‌اند صنایع را تصفیه‌بندی کردند. یک مقداری از صنایع کلاً مصادره شده، مقداری صنایع مصادره نشده، اما مهلت دادند به صاحبان صنایع که بیاندوآمهای خود را بپردازند».

ناطق سپس نتیجه‌گیری کرد: «ما حرفمان این است که اصلاً کل این کارخانه‌ها باید به حیانتان رسیدگی شود و بسیاری از این کارخانه‌ها هستند که طبق ماده ۹۹ قانون اساسی باید همه آنها به نفع ملت مصادره بشوند، نه اینکه بیایند و دوباره مدت را تمدید کنند. تا سرمایه‌داران بیچاره (!) دوباره یک مهلتی پیدا کنند و یک پولی بگیرند و از کشور خارج کنند».

پس از سخنان دکتر هادی، براساس رای اکثریت نمایندگان، از این لایحه سلب فوریت شد.

آنگاه گزارش کمیسیون دفاع مبنی بر رد طرح عده‌ای از نمایندگان درباره تأمین نیازمندیهای منقشی‌خدمت‌های ۵۶ و خانواده آنها قرائت شد. کمیسیون دفاع دلیل آورده است که افراد شاغل در ادارات در طول خدمت از حقوق خود برخوردارند، در مورد بقیه نیز آنها حقوقی معادل حقوق افسران، درجه‌داران و... دریافت می‌کنند.

نامه نمایندگان به امام خمینی

سیس رئیس مجلس اعلام کرد که ۱۱۰ نفر از نمایندگان نامه‌ای به امام خمینی نوشته‌اند، یکی از نمایندگان این نامه را قرائت کرد. در این نامه خطاب به امام خمینی آمده است:

«اقدام قاطع شما مبنی بر تصفیه شکنجه‌گران احتمالی، روحی دیگر در کالبد ناآرامان امید و باز دیگر این معنا را دریافته که آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند. ای امام بزرگوار، دشمنان قسم‌خورده انقلاب اسلامی ایران و در رأس آنان شیطان بزرگ، که از ابتدای پیروزی انقلاب در پی مخدوش‌ساختن چهره زلال اسلام بودند، این بار با توطئه‌ای حساب شده توانایی از تبلیغات مسموم را تحت لوای دفاع از انسانیت و اسلام برپا کردند و جمله «دزدان‌شکنجه‌می‌شوند» را به دهان تمامی مرتجعین داخلی و خارجی انداختند. غافل از اینکه رهبر همیشه یبار و شهبان این نهضت اسلامی هر بار که توطئه‌ای را بیاید به میدان خواهد آمد و راه هرگونه تیرتگ و فریب را بر آنان خواهد بست. امام! ما نمایندگان مجلس شورای اسلامی که خود را ناظر بر اجرای کامل قانون اساسی و مسئول پاسداری از حریم انسانیت می‌دانیم، ضمن سپاس از آن رهبر و فرمانده عظیم‌الشان خواسته‌های خود را با هیاتی که پذیرای این مسئولیت سنگین خواهند شد در میان می‌گذاریم:

- ۱- هرچه سریعتر افراد یا ارگان‌هایی که به چنین اعمال زشتی دست یافته باشند، شناسایی و در اختیار محاکم صالحه قرار دهید تا به فرمان امام قصاص شوند.
۲- اسامی و مشخصات فرد یا افرادی را که احتمالاً شکنجه شده‌اند، با ذکر محل شکنجه در اختیار عموم قرار دهید.

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که به ریاست حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، نمایندگان مجلس، ضمن نامه‌ای به امام خمینی، تأکید کردند که فرمان اخیر ایشان مبنی بر پیگیری شایه شکنجه دزدان، باید ردیگر ثابت کرد که: آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند. اولین سخنران پیش از دستور این جلسه، قدرت‌الله نجفی بود، که در ارتباط با مسائل روز سخن گفت. وی از جمله اظهار داشت:

سخن من از زبان مردمی است که اگر کسی به روحانوت مبارز آنها، سپاه پاسداران آنها... بپازد، ریج می‌زند و غصه می‌خورد. من نمی‌گویم این نهادها لغزشی ندارند، ولی می‌گویم که ملت دلسوخه زبان نصیحت را از این نهادها دریغ نمی‌دارد. اما انتقاد سازنده یا گوییدن تفاوت دارد».

ناطق سپس افزود: «من از سوی مردمی صحبت می‌کنم که آرزو داشتند همه زمینها زیر گشت‌برده، نه اینکه از یک طرف به آنها بگویند گشت کنید و از طرف دیگر گشت و پای آنها را بپندارند، چرا باید محصول کشاورزی ما یک‌سوم سال قبل شده باشد».

نجفی آنگاه ضمن تأکید بر پاکسازی، اشاره کرد که این کار باید قلملمانه و منطبق با حق و حقیقت و بدون از مقررات دست و پاگیر انجام شود.

نجفی در پایان از مسئولین استان اسفهان خواست که دهات خشک و بی‌آب و برق این منطقه را نجات بدهند. دومین ناطق پیش از دستور، مروی سماروجی، نماینده طریقه بود که ضمن سخنانی، با اشاره به انقلاب بزرگ ضدامپریالیستی و مردمی ایران، اظهار داشت:

«هدف جمهوری اسلامی ما والا و بالاست. آن‌هایی که امروز داد آزادی می‌زنند، مگر قانون اساسی را نمی‌بینند و به واقعیت قانون اساسی توجه ندارند».

تحش نامه‌های صبح و عصر

وی افزود:

«آن‌هایی که صبح و عصر فحش‌نامه بستم مردم می‌دهند و مناجات سیاسی می‌نویسند، آیا آزادی اسلامی این است؟ چرا نمی‌خواهیم کرامت انسانی برای ما مطرح باشد... این‌ها با این چیزها می‌خواهند چیز دیگری را به خورد مردم بدهند، مردم این‌ها را می‌شناسند... چرا نباید آن‌ها که در رأس مسائل هستند، به این نکات توجه کنند».

ناطق سپس به وضع سینماها و تئاترهای کشور اشاره کرد و خواستار ارتقاء سطح فیلم‌ها و دعوت هنرمندان مسئول به کار شد، او همچنین گفت:

«چرا نباید از اشخاص متعدد دعوت به کار لکنیم؟ مروی سماروجی در پایان خواستار رسیدگی به وضع منقشی‌خدمت‌های ۵۶ شد».

ابوالفضل رضوی اردکانی سومین ناطق پیش از دستور بود. او سخنان خود را با درود به رزمندگان دلاور ایرانی در جبهه‌های جنگ شروع کرد و سپس گفت:

«انقلاب ما امروز یکی از حساسترین برهه‌های خود را می‌گذراند... تنها جرم ملت ما این است که می‌گویند ما مستقیم و برای استقلال سنگین است. ملت ما تا اکنون از تمام فراز و نشیبها سرفراز بیرون آمده است».

پس سرمایه‌داران مهلت ندهید

آنگاه مجلس وارد دستور شد و آخرین بند طرح دیوان محاسبات مطرح گردید. پس از اتمام تصویب‌بندهای این طرح، یک لایحه دوفوریتی در ارتباط با حفاظت و توسعه صنایع ایران مطرح گردید، که به تقاضای عده‌ای از نمایندگان، از آن سلب فوریت شد.

محمدعلی هادی در توضیح این خواست، از جمله گفت: «از بعد از انقلاب با مسئله صنایع و معادن برخورد درستی نشده است، حالا این بپر دلیل بوده، در اوایل انقلاب ۸ میلیارد تومان اعتبار به صنایع اختصاص داده شده است، که این صنایع که در دوران انقلاب با کم مانده است، بکار گرفته

دیگری که پیش‌آمد این بود که، گروه‌های پاکسازی به علت کمبود وقت مجبور شدند سریعاً پرونده‌ها را بخوانند. در نتیجه آموزش و پرورش عده‌ای را آماده به خدمت داد، تا گروه‌های پاکسازی بتوانند دقیقاً نظر بدهند. واقعا هم گناه چاره‌اندازند و افراد بسیار فاسدی بودند که مردم نمی‌توانستند آنها را تحمل کنند، البته در کنار این‌ها آدم‌های بی‌گناهی هم بودند که شامل این موضوع شدند. در حال حاضر ۱۷ هزار نفر به اشکال مختلف پاکسازی و آماده به خدمت شده‌اند، بعضی‌جاها هم که آموزش و پرورش بطور کلی منحل شده است. در نتیجه دواگروه اعتراض دارند، یک گروه به عدم تصفیه اعتراض دارند و یک گروه هم به تصفیه‌های غیرقانونی و برضابطه اعتراض دارند».

در حال حاضر ما لایحه پاکسازی نداریم و آنچه که ما امروز مواجهیم این است که نه لایحه داریم، نه هیئت پاکسازی و مراجعه هم داریم. لذا ما فکر کردیم کلیه احکام صادر شده، قانونی یا غیرقانونی، درست یا بایر درست را فعلاً متوقف می‌کنیم و شروع به تهیه لایحه منضلی پاکسازی کرده‌ام. این لایحه بزودی برای عرضه به مجلس آماده می‌شود. همچنین اعلام کرده‌ام که هر که اعتراض دارد، اعتراض خود را بدهد، بعد براساس لایحه مصوبه به مجلس مجدداً احکام این افراد بررسی می‌شود و اگر ثابت شد که کسی در موردش ظلم شده، جبران می‌کنیم».

دکتر باهنر سپس افزود: «کسانی هم که اخراج شده‌اند و حق آنان است براساس مصوبه شورای انقلاب، به آن‌ها تا یافتن کار دیگر، مقرر می‌شود».

وزیر آموزش و پرورش آنگاه به ستارال دیگری در مورد تصفیه معلمین تا کستان جواب داد و گفت:

«ما قبلاً هم اعلام کرده‌ام که اینگونه اشغال فعلاً متوقف است».

دکتر باهنر سپس به مسئله نقض دانش‌آموزان در مدارس پرداخت و تأکید کرد که دانش‌آموزان از انقلاب خود دفاع خواهند کرد. او در پایان گفت:

«ما تصمیم داریم یک کاری در آموزش و پرورش انجام بدهیم و برای تفسیر کتاب و برنامه و تعلیم معلمین برای توسعه مدارس در سراسر کشور، برای پاکسازی این محیط‌ها، برای بازسازی در جهت فرهنگ اسلامی و انقلابی، طرح‌هایی داریم. از شما می‌خواهم به‌تسریع تصویب این طرح‌ها کمک کنید».

پس از پایان سخنان وزیر آموزش و پرورش، برومند یکی از نمایندگان سؤال‌کننده، مجدداً به تعطیل مدارس لرستان اعتراض کرد. او ضمن تأیید پاکسازی، گفت، افرادی که اگر انقلاب به‌پیروزی نمی‌رسید، اعدام می‌شدند، حالا تصفیه شده‌اند!

در اینجا جلسه مجلس به پایان رسید و رئیس مجلس اعلام کرد که جلسه روز یکشنبه آینده رسمی ولی به‌تسریع غیرعلنی برگزار خواهد شد.

در حاشیه

نقشه مشترک

هنکامی که یکی از نمایندگان در نطق قبل از دستور به اختلاف‌ها و تفرقه‌افکنی‌ها اشاره کرد، شجوی نماینده کرج گفت: «نقشه مشترک برای سقوط دولت، آقا».

حذف بند تصویب شده!

پس از آنکه بند ۶ طرح دیوان محاسبات به تصویب رسید، آقای وحیدی، که ظاهراً متوجه این نقضیه نشده بود، تقاضای حذف این ماده را کرد. این موضوع باعث عصبانیت رئیس مجلس شد و او گفت: «آقا، این بند همین الان تصویب شده!» و آقای وحیدی پاسخ داد: «آقا، اگر اول صبح حالتون خوب نیست، بکین! و این باخنده‌هه، منجمله رئیس مجلس رو برد شد».

نشده است، دیک کارشناس نظامی غربی است!

پار دیگر می‌پرسیم:

علت اینکه چرا خبرگزاری امپریالیستی فرانسه، خبر بالا را مخابره کرده، کاملاً روشن است. علت اینکه چرا روزنامه «میزان» آن را با تیر ۸۴ در صفحه اول ارائه کرده، تا حتی رهگذرانی هم که این روزنامه را نمی‌خوانند و تنها تیتز اول را می‌بینند و یا می‌خوانند، در متن خبر دقت نمی‌کنند، در معرض فریب امپریالیسم خبری قرار بگیرند، نیز روشن است.

اما، ما بار دیگر از مسلمانان انقلابی و روزنامه‌های طرفدار انقلاب می‌پرسیم: - آیا چه کسی از تبلیغ گسترده خبر جعلی بالا سود می‌برد جز امپریالیسم چاپ‌کار آمریکا؟ آیا صداقت روزنامه‌نگاری حکم نمی‌کند که متن و تیتز باهم بخوانند؟

آیا خبری که در متن خود آن تکذیب شده و آنهم از طرف خبرگزاری امپریالیستی فرانسه مخابره شده، باز هم بعنوان یک «خبر»، آفتدروموتق و قابل اعتماد است که باید آن را درج کرد؟ ما بار دیگر از روزنامه‌نویسان طرفدار انقلاب می‌خواهیم، که در دام خبر گزارهای امپریالیستی نیفتند،

باز هم یک خبر «صد درصد موثق» از امپریالیسم خبری!

ارتش شوروی وارد لهستان شد

اطلاع داده لشکرهای روسی برای رفتن به آلمان شرقی و حاکمیت بر سواختی در حال عبور از لهستان است. ستاد فرماندهی شوروی در کراکوف در گدانسک هنوز این گزارش را تأیید نکرده است. یک گزارش نظامی شوروی گفت این حرکت نیروهای شصت‌هزار نفری با عملیات معمولی جابجایی سواخت روس مستقر در آلمان شرقی مطابقت ندارد و باید به مردم لهستان هشدار فوری بدهد گرچه این نعداد برای استفاده در خاک لهستان کافی نیست.

این اطلاعات را داده باشد، خبر حکایت از یک واقعه معمولی - از پایان جنگ دوم جهانی باین - طرف می‌کند و آن عبارت است از تمویض نویسی سربازان شوروی، که بر اساس قرارداد «پوتسدام» در جمهوری دموکراتیک آلمان بس می‌برند. اما امپریالیسم خبری بعلمت تضاد این تمویض با حوادث لهستان و سواخت‌ناده‌ای که امپریالیسم از این حوادث می‌کند بلافاصله آنرا به «ورود ارتش شوروی به لهستان» تغییر داده و به‌جانب مخابره کرده است!

اما اصل قضیه این نیست که امپریالیسم خبری عبور را «دشغال» نامیده و پیرامون آن به تبلیغات پرداخته، حقیقت امر این است که نیروهای شوروی

خبرگزاری پارس بنقل از خبرگزاری فرانسه از ورشو محافل مطلع لهستانی امروزگزارش خود را از گزارش دبیر اول حزب کمونیست لهستان مبنی بر عبور چهار لشکر روسی از جنوب لهستان اعلام کردند به گفته صنایع موثق استانیلا کالیا دبیر اول حزب کمونیست لهستان روز گذشته به استفسار روزنامه‌نگاری رئیس اتحادیه روزنامه‌نگاران این کشور

۲- منبع خبر، همان منابع همیشه امپریالیسم خبری است: «مخالف مطلع»، «منابع موثق»، «دیک کارشناس نظامی غربی» و «اعضای اتحادیه‌های کارگری»...

۳- امپریالیسم خبری که در طرف‌ها و شکردهای خبرسازی استاد است، ابتدا از قول «منابع موثق» اعلام می‌کند که «دبیر اول حزب کمونیست لهستان» به «رئیس اتحادیه روزنامه‌نگاران» این کشور اطلاعاتی مبنی بر «عبور چهار لشکر روسی از جنوب لهستان» داده و افزوده است:

۱- منبع خبر، خبرگزاری امپریالیستی فرانسه است. این همان خبرگزاری است که تا کنون سه‌بار به اتهام تحریف و جعل اخبار از ایران اخراج شده است. ۲- منبع خبر، همان منابع همیشه امپریالیسم خبری است: «مخالف مطلع»، «منابع موثق»، «دیک کارشناس نظامی غربی» و «اعضای اتحادیه‌های کارگری»... ۳- امپریالیسم خبری که در طرف‌ها و شکردهای خبرسازی استاد است، ابتدا از قول «منابع موثق» اعلام می‌کند که «دبیر اول حزب کمونیست لهستان» به «رئیس اتحادیه روزنامه‌نگاران» این کشور اطلاعاتی مبنی بر «عبور چهار لشکر روسی از جنوب لهستان» داده و افزوده است: ۱- منبع خبر، خبرگزاری امپریالیستی فرانسه است. این همان خبرگزاری است که تا کنون سه‌بار به اتهام تحریف و جعل اخبار از ایران اخراج شده است.

در جنگ عادلانه بو صدر رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی شرکت کنیم

سلاح‌های سبک و سنگین جریان داشت، خسارات و تلفاتی بر مزدوران فریب‌خورده صدام وارد کردند. در این عملیات دلاوران ما یک سنگر تیربار دشمن بسا نفرات، ۳ محل خیاره‌انداز در جزیره ام‌الرصاص، یک موضع تیربار با نفرات، پل ارتباطی عراق با ام‌الرصاص و ۴ سنگر دشمن را در این منطقه منهدم کردند و یک انبار مهمات را منفجر ساختند که تا ساعتاً در آتش سوخت. در جریان این نبرد ۳ تن از رزمندگان مجروح شدند. بر پایه همین گزارش‌روز گذشته (سه شنبه) شهبان آبادان هدف خمباره‌های دشمن بود که در اثر آن ۵ تن شهید و ۵۰ نفر مجروح شدند. به گزارش خبرگزاری پارس از آبادان: خبر رادیو عراق دایر بر شهادت منصور عالی اهل ارک و همچنین دستگیری داود رهنا اهل سواخت مضمض است و نامبردگان هم‌اکنون در جبهه آبادان حضور داشته و در حال نبرد با مزدوران صدام هستند.

امام خمینی میگوید:

« همه گرفتاریهای ما از امریکاست »

لیبرالها میگویند:

« همه گرفتاریهای ما از گروگانگیری است! »

در تاریخ ۲۱ آبانماه ۵۹، روزنامه معتبر تشرین، چاپ سوریه، سندی از اسناد بدست آمده از لانه جاسوسی آمریکا را منتشر ساخت، که متأسفانه علیرغم آنکه خبرگزاری پارس این سند بسیار مهم را مخاوبه کرد و مضمون آن در دسترس کلیه جراید قرار گرفت - جز برخی از آنها، از مضمون سند خبری منتشر نکردند و سپس نیز کسی در پی تحلیل این سند مهم برنیامد و موضوع به فراموشی سپرده شد.

نامه «مردم» بموقع خود به تحلیل این سند مهم پرداخت، اما این سند آنقدر اهمیت دارد که بجاست پارسیک مضمون آنرا بررسی کنیم و اعتراضات شگرفی را که جاسوسان آمریکایی در آن عنوان کردهاند، بار دیگر در پیش چشمان «منکرین» قرار دهیم، چه این اعتراضات حداقل بنیاد «استدلال» گروهی را که به «پیرو خط برزیسکی» موصوف شدهاند و برای «لیبرال» نامیده میشوند و برای سازش با امپریالیسم آمریکا تلاش میروند و خیال احیای پیوندهای وابستگی ایران به امپریالیسم-بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، را در سر میروزانند، ویران می کند و پوچی و کذب ادعاهای آنان را در پیش مردم آشکار میسازد.

همگان میدانند که لیبرالها در پی فتح لانه جاسوسی آمریکا، که «اتفاقا» مصادف با سقوط دولت آنها بود، فغان و فریاد برداشتند و خطاب به مسردم انقلابی ایران، آنها را از «حدت و تجارت یسابقه» ای که بخرج داده بودند، برحذر نمودند، آنها را از «یا گفاردن روی دم اهر» ترساندند، وحشتزده و به بیرونی فریاد برداشتند که «قوانین بین المللی را نقض نکنید»، «۵۳ گروگان را آزاد کنید»، سپس «خط و نشان» کشیدند که: «چو کردی یا کلوش انداز بیکاره» به نادانی سرخود را شکستی آمریکا ناروای خود را به آدانوس هند و خلیج فارس آورد.

نامه مردم

از گمان مرکزی غرب توهان ایران
- رنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
(دفتر نامه «مردم»
هنوز در اختیار
نامه «مردم» نیست)

NAMEH MARDOM
No. 392
11 December 1980

Price:

West-Germany	0.80 DM
France	2 Fr.
Austria	8 Sch.
England	20 P.
Belgium	10 Fr.
Italy	350 L.
U.S.A.	40 Cts
Sweden	1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه «مردم» مکاتبه کنند:

صندوق پستی
۴۱/۳۵۵۱، منطقه
۱۴ پستی تهران

لیبرالها گفتند: «نتیجه گروگان-گیری است»
آمریکا و متحدانش ایران را محاصره اقتصادی کردند. آنها «تحلیل» کردند که: «آقا جان، گروگانها!»
آمریکا و عمالش در کردستان و آذربایجان پلوا برانداختند. لیبرالها اظهار داشتند: «گروگانها، گروگانها!»
آمریکا، به خاک ایران تجاوز نظامی کرد. آنها سری تکان دادند و اظهار لحنیه فرمودند که: «گروگانهای آمریکایی!»
آمریکا درصدد کودتای نظامی برآمد و نقشه قتلعام ده میلیون نفر از مردم ایران، پس از شکست توطئه فاش شد. لیبرالها گفتند: «ایران با گروگانگیری، خود را گروگان آمریکا کرده است.»
آمریکا زنجیر صدام را رها کرد و او را بجان انقلاب ایران انداخت. آنها سری تکان دادند و از روی «دلسوزی» توصیه کردند: «ما که گفتیم، گروگانها را رها کنید.»
دینسان، درست بسرخلافی اقصه، هرچه مردم بگوش این آقایان خواندند که آخر مگر دکتر مصدق آئینده، سوگارتو، «گروگانگیری» کرده بودند که آمریکاسرنگونشان کرد، پایشان را در یک کفش کردند که: «خیر! همه بدبختیهای ما از گروگان-هاست!»
اما در سند منتشر شده توسط تشرین، که تاریخ نگارش آن تیرماه ۵۸، یعنی ۴ ماه قبل از فتح لانه جاسوسی آمریکا است، آمده است:

«باید برای نابود کردن انقلاب از آمریکا است.»
از گروگانگیری است، «مصدقا» با امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، میگویند: «همه گرفتاریهای ما از آمریکا است.»
و درست بهمین جهت، مردم ایران، در برابر ادعای لیبرالها که میگویند: «همه گرفتاریهای ما از گروگانگیری است»، «مصدقا» با امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، میگویند: «همه گرفتاریهای ما از آمریکا است.»

قطعنامه گردهمایی...

بقیه از صفحه ۱

۴- از مقامات انتظامی دولت جمهوری اسلامی میخواهیم از روشهای کنونی و جلب وتوقیف و اعدام در منطقه، که موجب یاس مردم از توجبات جمهوری اسلامی است، خودداری نمایند و کلیه تفتیقاتی را که برای مردم بیگناه منطقه وارد شده است، برطرف کنند و با شروع بکار دوایر دولتی و مدارس و بازشدن راهها، زندگی مردم و وضع عمومی منطقه را بحال عادی برگردانند و مردم را در امیدواری به جمهوری اسلامی یاری دهند.

۵- از کلیه مردم متحد و مسلمان، بویژه جوانان فعال مهاباد خواستاریم که به محض مشاهده هرگونه اقدام و مقابله مسلحانه و خصمانه ارتطاف اشخاص بی مسئولیت در داخل شهر، که موجب سلب آسایش عمومی است، با اعتراض دسته جمعی مخالفت خود را اعلام و اقدامات آنان را عقیم نمایند.

۶- از افراد مسلمان و متحد شهر و حومه دعوت میکنیم برای برقراری انتظامات و جلوگیری از دزدی و تخریب آمادگی خود را اعلام دارند، تا نسبت به استخدام آنان اقدام مقتضی بعمل آید.

۷- برای یکپارچگی هرچه بیشتر مردم ایران و دفع فعالیت های دشمنان اسلام و ازین بردن جو خصمانه و درهم-کوبیدن تجاوزگران بعثی، از پیشگاه حضرت امام خمینی رهبر عالیقدر تقاضای صدور فرمان عفو عمومی را داریم.

۸- از مقامات انتظامی مستقر در مهاباد خواستاریم، بعلت مسدود بودن راهها و قطع ارتباطات، متن این قطعنامه را خود به استحضار رهبر انقلاب، ریاست جمهوری، نخست وزیر، ریاست مجلس شورای اسلامی، استانداری آذربایجان غربی و وسایل ارتباط جمعی برسانند.

از بیاتیه کنفرانس بین المللی همبستگی با فلسطین:

روابط اعراب با اردوگاه سوسیالیستی و نیروهای ترقیخواه باید تحکیم و گسترش یابد

کنفرانس بین المللی همبستگی با مبارزه خلق قبرمان فلسطین، که با شرکت نمایندگان سازمانهای مختلف ملی و بین المللی در بیروت تشکیل شده بود، بکار خود پایان داد. نمایندگان کشورهای مختلف در سخنرانیهای خود سیاست امپریالیسم آمریکا در منطقه را محکوم کردند. نمایندگان لبنان، سوریه، کوبا، گروه های ترقی مصر و نامیبیا بویژه خوانان گسترش مبارزه علیه توطئه کمپ دیوید شدند و این معاهده خائنانه را مغایر با منافع اعراب دانستند. نمایندگان شرکت کننده اعلام کردند که تنه راه حل و فصل مسائل در خاورمیانه، خروج نیروهای اشغالگر صهیونیستی از تمام سرزمینهای اشغالی و از جمله ازیب المقتدر شرقی و تقسیم حقوق حقه خلق فلسطین، از جمله حق این خلق برای ایجاد یک کشور مستقل است. کنفرانس حمایت خود را از خلق فلسطین و سازمان آزادیبخش فلسطین اعلام کرد. در بیاتیه کنفرانس همچنین آمده است: «باید اتحاد ضد امپریالیستی اعراب تقویت شود و روابط با اردوگاه سوسیالیستی و نیروهای ترقیخواه جهان تحکیم گردد.»

آیت الله دکتر بهشتی:

ملی کردن تجارت خارجی دنبال خواهد شد

* بانظارت مستمر، از خروج بی رویه ارز از ایران جلوگیری می شود.
* همه کسانی که بخواهند صادقانه و صمیمانه برای حل مسائل کوشش داشته باشند، هر جا بروند مورد استقبال قرار خواهند گرفت.

آیت الله دکتر بهشتی، رئیس دیوان عالی کشور، در مصاحبه مطبوعاتی هفتگی خود به سئوالات خبرنگاران داخلی و خارجی پاسخ داد.
دکتر بهشتی در مورد درخواست مردم اصفهان برای اخراج نماینده شان از مجلس و قایل اجراء بودن آن از نظر حقوقی گفت: «به من هم مراجعه کردند و در این زمینه سؤال کردند. پاسخ اینست: که این مطلب در قانون اساسی پیش بینی شده و در قانون انتخابات... بهر حال در این زمینه باید مجلس شورای اسلامی تصمیم بگیرد و آنهم در شکل قانونی.»

آیت الله دکتر بهشتی درجای دیگری در زمینه مبارزه با مواد مخدر و استغفای حجت الاسلام خلیفانی تأکید کرد که این مبارزه بصورت قاطع ادامه خواهد یافت. خبرنگاری سؤال کرد: «مخل از بنام با غرب تلاش می کند تا این شبیه را ایجاد کند که دولت کنونی صلاحیت اداره این مسلك را ندارد و لذا باید جای خود را به دولت دهد که طرفدار غرب باشد. این حرکت را چگونه ارزیابی می کنید؟»
دکتر بهشتی در پاسخ ضمن تأکید بر اینکه مشکلات انقلاب نمی تواند در عرض یکماه، یسا یکسال حل شود، درباره دولت گفت:
«دولت مصمم است به مردم خدمت کند، از نظرات همه صاحب نظران با ایمان مورد اتقاد مردم استفاده می کند و استقبال می کند، از هر کسی که بتواند کمکی از نظر فکری یا عملی برای این مشکلات بکند، استقبال می کند. چرا چنین دولتی نتواند مسائل این جامعه را حل کند، بخصوص که این دولت با تکیه بر اکثریت قاطع آراء نمایندگان مجلس شورای اسلامی و نمایندگان مردم سرکار آمده... امیدوارم ملت هوشیار و پیدار ما بداند که این تلاشها بیشتر به منظور این است که فرصتی را که اکنون داریم، بصورت ۳ ماه و ۳ ماهه و پنج ماهه و شش ماهه به دست آوریم و آن دولت، با نتیجه گیری کم از دست بدهیم و توانیم با

خبرنگاری سؤال کرد: «با توجه به سخنرانی شما در مورد لیبرالها، تلفنهای زیادی به روزنامه جمهوری اسلامی شد و سؤال می کردند آیا خطر اینها در دستگاہهای دولتی، بخصوص نهادهای اجتماعی هست؟»
آیت الله بهشتی از جمله پاسخ داد: «گمان میکنم با گوشش برای این که انقلاب ماندگش یک جریان نیرومندتر باشد بهر و نلدان جمهوری اسلامی را به سوی خط اصیل اسلام جذب کند، راه صحیح مقابله با خطر هرگونه انحراف به سوی خطهای دیگر است و امیدوارم این تلاش روز بروز منضج تر و نیرومندتر شود.»

لئونید برژنف در جریان مذاکرات با ایندیرا گاندی گفت:

اتحاد شوروی علیه دخالت دیگر کشورها در این مناقشات (جنگ عراق علیه ایران) اقدام می کند

* اتحاد شوروی آمادگی خود را برای اعطای کمک همه جانبه به هند اعلام داشت.
* خانم گاندی اهمیت دوستی با اتحاد شوروی را برای استقلال و حاکمیت هند مورد تأکید قرار داد.
* رهبران اتحاد شوروی و هند توجه افکار عمومی را به روند عادی شدن اوضاع در افغانستان جلب کردند.

و غیر متعدد انجام میدهند.
رهبران دو کشور در طول مذاکرات، به سطح بالای روابط دو جانبه، که بر اساس معاهده صلح و همکاری و دوستی استوار است، اشاره کردند.
خانم ایندیرا گاندی نخست وزیر هند به مامیت متقابل سودمند معاهده های گذشته اقتصادی دو کشور اشاره کرد و بویژه اهمیت این همکاری را برای گسترش و توسعه اقتصاد هند مورد تأکید قرار داد.

لئونید برژنف به رهبران هند اطمینان داد که اتحاد شوروی هرچه در توان دارد برای توسعه دوستی و همکاری نزدیک با هند و گسترش تفاهم متقابل انجام خواهد داد.
در مذاکرات رهبران دو کشور چشم اندازهای گسترده همکاری متقابل سودمند در زمینه های مختلف مورد بررسی قرار گرفت و اتحاد شوروی آمادگی خود را برای اعطای کمک همه جانبه به هند برای گسترش و توسعه چاهها و منابع نفتی هند و کمک به بالابردن سطح تولید نیروگاههای این کشور اعلام کرد.
دو کشور به تنهایی یا نزدیکی نظریات اتحاد شوروی و هند درباره مسائل عمده جهانی اشاره کردند و توجه را به اوضاع آسیای جنوب شرقی جلب نمودند.

در اجتماع باشکوهی که از سوی انجمن دوستی اتحاد شوروی و هند برپا شده بود، لئونید برژنف در سخنانی، ضمن تأکید بر اهمیت دوستی هند و اتحاد شوروی، گفت:
«اتحاد شوروی برای کمک همه جانبه به اقتصاد هند و کمک به تقویت نیروی دفاعی هند تلاش خواهد کرد.»
برژنف تأکید کرد که دوستی هند و اتحاد شوروی علیه هیچ کشوری نیست.

خانم گاندی در این اجتماع مامیت بر شانه دوستی دو کشور و اهمیت این دوستی را برای استقلال و حاکمیت هند مورد تأکید قرار داد.

رویدادهای جهان

معاون سازمان همبستگی خلق های آسیا و آفریقای سری لانکا:

دیدار برژنف از هند سهم بزرگی در تأمین صلح در آسیا خواهد داشت

مردم هند و محافل اجتماعی ترقیخواه منطقه آسیای جنوب شرقی و شبه قاره هند، دیدار لئونید برژنف را از هند دارای اهمیت اساسی ارزیابی کردند.
مردم هند و محافل ترقیخواه این کشور دیدار لئونید برژنف را از هند کام مهمی در گسترش روابط دو کشور می دانند.
خانم حمیده حبیب الله، عضو پارلمان هند از حزب ملی کنگره هند و یکی از زنان مبارز مسلمان کشور گفت:
«مردم هند از لئونید برژنف و همراهان وی مانند برادران خود استقبال کردند.»

خانم حبیب الله، ضمن اشاره به نقش اتحاد شوروی در تحکیم صلح و امنیت جهانی گفت:
«مردم شوروی از حکومت قانونی افغانستان، در زمانی که این کشور با آزمون دشوار روبرو شده بود، حمایت کرده و تلاشهای محافلی که میخواستند مسیر رویدادها را در افغانستان تغییر دهند، باشکست روبرو شده است، همانطور که توطئه قدرتهای امپریالیستی برای خفه کردن اتحاد شوروی در زمان خود با ناکامی روبرو شده.»
روزنامه «پاتریوت» نوشت:
«دیدار برژنف در حالی انجام شد که اوضاع در جهان وخیم شده و محافل امپریالیستی و ارتجاعی و برتری طلب تلاش دارند روند تسنح زدايي را نابود سازند.»
روزنامه هندی «تایمز» نوشت:
«منافع ملی هند اقتضا می کند که دوستی نیرومندتری با اتحاد شوروی برقرار شود.»
جایایتران، معاون سازمان همبستگی خلقهای آسیا و آفریقای سری لانکا، در مصاحبه ای گفت:
«اتحاد شوروی همیشه از سیاست صلح حمایت کرده و سیاست هند را در مورد تبدیل آقیانوس هند به منطقه صلح مورد حمایت قرار داده است. مذاکرات دهلی نو سهم بزرگی در تأمین صلح در آسیا خواهد داشت.»

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود